

تبیین الگوی روابط قدرت‌های منطقه‌ای در بحران ژئوپلیتیکی سوریه

حمیدرضا بیات* - دانشجوی دکتری جغرافیای سیاسی، دانشکده جغرافیا، دانشگاه تهران

دکتر عباس احمدی - استادیار جغرافیای سیاسی، دانشکده جغرافیا، دانشگاه تهران

دکتر یاشار ذکی - استادیار جغرافیای سیاسی، دانشکده جغرافیا، دانشگاه تهران

دکتر جواد اطاعت - دانشیار جغرافیای سیاسی، دانشکده علوم زمین، دانشگاه شهید بهشتی تهران

تاریخ پذیرش: ۱۳۹۸/۰۶/۲۳

تاریخ دریافت: ۱۳۹۸/۰۲/۱۹

چکیده

در پژوهش حاضر الگویی برای تبیین روابط ایران با ترکیه، عربستان و اسرائیل در بحران ژئوپلیتیکی سوریه ارائه شده است. در این الگو، مهمترین ابعاد و مؤلفه‌های جغرافیایی و ژئوپلیتیکی مؤثر در روابط این قدرت‌های منطقه‌ای در بحران سوریه و با در نظر گرفتن اهمیت و ارتباط این ابعاد و مؤلفه‌ها با یکدیگر و در قالب یک مدل ساختاری، مورد بررسی قرار گرفته است. این پژوهش با روش ترکیبی انجام شده که در بخش کیفی آن و با روش نظریه زمینه‌ای (Grounded Theory) الگویی جامع برای روابط قدرت‌های منطقه‌ای در بحران سوریه طراحی شده و در بخش کمی با روش مدلسازی معادلات ساختاری و نرم افزار Smart PLS، روابط بین عناصر الگوی حاصل در معرض آزمون کمی قرار گرفته است. بر اساس یافته‌های پژوهش، الگوی روابط قدرت‌های منطقه‌ای در بحران ژئوپلیتیکی سوریه از سال تا ۲۰۱۸ میلادی، به ترتیب اهمیت تحت تأثیر عوامل جغرافیایی، عوامل ژئواستراتژیکی، کدهای ژئوپلیتیکی، عوامل ایدئولوژیکی، نظام ژئوپلیتیک جهانی، نظام ژئوپلیتیک منطقه‌ای و عوامل ژئواکونومیکی می‌باشد. با توجه به اهمیت این عوامل پایدار جغرافیایی و ژئوپلیتیکی برای این کشورها، روابط این قدرت‌های منطقه‌ای براساس الگوی رقابتی مداخله‌ای در بحران ژئوپلیتیکی سوریه شکل گرفته و منجر به تداوم بحران شده است.

واژه های کلیدی: بحران ژئوپلیتیکی، روابط رقابتی مداخله‌ای، نظریه زمینه‌ای، مدل‌سازی ساختاری، سوریه.

۱. مقدمه

خاورمیانه به عنوان یک منطقه بی‌ثبات و کمر بند شکننده در نظام ژئوپلیتیک جهانی شناخته می‌شود. الگوی روابط قدرت در این منطقه همواره بر بی‌ثباتی بنا می‌شود. تنوع خاورمیانه به عنوان یک منطقه ژئوپلیتیکی و ساختار متفاوت قدرت‌های منطقه‌ای آن، مانع از ایجاد واحدهای ژئوپلیتیکی با ثبات منطقه‌ای یا زیرمنطقه‌ای در آنجا می‌شود (Cohen, 2008: 710).

بوزان و ویور مجموعه امنیتی خاورمیانه را به سه زیر مجموعه شامات، خلیج فارس و مغرب تقسیم می‌کنند که به علت ویژگی‌های ساختاری و کارکردی همواره مستعد بحران می‌باشد (Buzan & Weaver, 2009: 102). در زیر سیستم امنیتی شامات در دوران معاصر منازعه اعراب و مسلمانان با اسرائیل از عمده‌ترین وجوه بحران بوده است. تحولات ژئوپلیتیک اخیر در خاورمیانه موسوم به بهار عربی، خصوصاً شروع بحران ژئوپلیتیکی سوریه در سال ۲۰۱۱ میلادی منجر به اضافه شدن منازعه و بحرانی دیگر در زیر سیستم امنیتی شامات در خاورمیانه شده است. ماهیت سیستمی بحران‌های ژئوپلیتیکی نشان می‌دهد به دلیل درهم تنیدگی فضاها و جغرافیایی، بحران‌های ژئوپلیتیکی از قابلیت پخش در سایر سطوح فضایی همجوار خود نیز هستند. در همین ارتباط وقتی در یک حوزه بحران ژئوپلیتیکی رخ می‌دهد، ارزش‌های جغرافیایی ملت‌های مجاور اعم از منافع ملی، تمامیت سرزمینی، منافع راهبردی، هویت ملی، اقتصاد و حتی منافع راهبردی بازیگران خارجی صاحب نفوذ در آن حوزه در معرض تهدید قرار می‌گیرد ملی (Valigholizadeh, 2016: 89). در این راستا با شروع بحران ژئوپلیتیکی سوریه قدرت‌های منطقه‌ای و فرامنطقه‌ای با توجه به منافع خویش، در این بحران به نقش آفرینی پرداخته‌اند. همچنین در بحران سوریه جناحین داخلی درگیر در بحران آشکارا منابع خارجی را برای مبارزه مورد استفاده قرار می‌دهند، که این حالت را یک منازعه بین‌المللی میان قدرت‌های خارجی می‌نامند که در خاک کشور ثالثی جریان داشته، لباس منازعه بر سر موضوعات داخلی آن کشور را پوشیده و طی آن از یک یخس یا تمامی نیروی انسانی، منابع و سرزمین آن کشور به عنوان وسیله‌ی تحصیل اهداف و استراتژی‌هایی عمدتاً خارجی استفاده می‌شود (Dougherty and Pfaltzgraff, 2011: 509). بنابراین بحران سوریه در کنار آنکه یک بحران داخلی ناشی از اوضاع خاص این کشور و اختلافات بین حکومت این کشور و

مخالفان آن به عنوان بازیگران داخلی باشد، تبدیل به یک بحران ژئوپلیتیکی و عرصه روابط ژئوپلیتیکی میان قدرت‌های منطقه‌ای و فرامنطقه‌ای نیز شده است.

در سطح قدرت‌های منطقه‌ای هر یک از کشورهای ایران، ترکیه، عربستان و اسرائیل به عنوان اصلی‌ترین قدرت‌های منطقه‌ای دخیل در بحران سوریه با توجه به اهداف و منافع خویش در این بحران به ایفای نقش و حمایت از جناح متحد خود در داخل سوریه پرداخته‌اند. ایران شروع به حمایت همه جانبه از حکومت اسد نموده است و ترکیه، عربستان و اسرائیل نیز هر یک به حمایت از گروه یا گروه‌هایی از مخالفین حکومت اسد پرداخته‌اند که این امر منجر به شکل‌گیری یک الگوی رقابتی مداخله‌ای در روابط ژئوپلیتیکی ایران با کشورهای ترکیه، عربستان و اسرائیل در بحران سوریه شده است. هدف از پژوهش حاضر تبیین چرایی شکل‌گیری الگوی روابط رقابتی مداخله‌ای در روابط ژئوپلیتیکی ایران به عنوان حامی حکومت اسد با ترکیه و عربستان و اسرائیل به عنوان حامیان مخالفین حکومت اسد در بحران سوریه می‌باشد.

به همین منظور در پژوهش حاضر قصد داریم به این سوال پاسخ دهیم که مهمترین ابعاد و مؤلفه‌های جغرافیایی و ژئوپلیتیکی شکل‌گیری الگوی رقابتی مداخله‌ای قدرت‌های منطقه‌ای در این بحران، با نظر گرفتن اهمیت و ارتباط این ابعاد و مؤلفه‌ها با یکدیگر، کدامند. برای پاسخ به سوال پژوهش با فرضیه زیر ادامه خواهیم داد که مبنای شکل‌گیری این فرضیه در بخش روش شناسی پژوهش تشریح خواهد شد. به نظر می‌رسد که الگوی روابط رقابتی مداخله‌ای ایران با ترکیه، عربستان و اسرائیل به عنوان قدرت‌های منطقه‌ای حاضر در بحران ژئوپلیتیکی سوریه تحت تأثیر عوامل جغرافیایی، عوامل ایدئولوژیکی، کدهای ژئوپلیتیکی، عوامل ژئواستراتژیکی، عوامل ژئواکونومیکی، شرایط نظام ژئوپلیتیک منطقه‌ای و شرایط نظام ژئوپلیتیک جهانی، در بحران ژئوپلیتیکی سوریه شکل گرفته است.

۲. روش تحقیق

روش انجام پژوهش حاضر، که به شناخت ابعاد و مؤلفه‌های جغرافیایی و ژئوپلیتیکی شکل‌گیری الگوی روابط ژئوپلیتیکی رقابتی مداخله‌ای ایران با ترکیه، عربستان و اسرائیل به عنوان اصلی‌ترین قدرت‌های منطقه‌ای در بحران ژئوپلیتیکی سوریه از سال ۲۰۱۱ میلادی تا سال ۲۰۱۸ میلادی،

می‌پردازد، از نظر ماهیت از نوع روش ترکیبی (کیفی - کمی) و از نظر هدف اکتشافی^۱ می‌باشد و از مدل تدوین الگو و گونه شناسی^۲ استفاده شده است.

بخش کیفی پژوهش با روش گراندد تئوری^۳ یا نظریه داده بنیاد بر اساس طرح ظهور یابنده^۴ استراوس و کوربین انجام می‌شود (Strauss & Corbin, 1990)؛ تا بتوانیم با منطق استفهامی و استقرایی، عوامل کلیدی الگوی رقابتی مداخله‌ای روابط ژئوپلیتیکی قدرت‌های منطقه‌ای در بحران ژئوپلیتیک سوریه شناسایی نمایم. در این روش داده‌های کیفی به صورت نظام‌مند با مصاحبه از اساتید و خبرگان حوزه ژئوپلیتیک و روابط بین الملل (که برای این منظور فرم مصاحبه تهیه با ۱۳ نفر مصاحبه کتبی انجام گرفت)، همچنین مطالعه نظریات مرتبط با بحران‌های ژئوپلیتیکی و مقالات، کتب و اسناد مربوط به بحران ژئوپلیتیکی سوریه و دیگر منابع قابل استناد گردآوری شده است که این فرآیند تا زمان اشباع داده‌ها ادامه یافت؛ همچنین ابعاد محوری مدل که در بخش یافته‌های پژوهش بیان می‌شوند به عنوان مبنای فرضیات پژوهش مورد استفاده قرار گرفتند.

در مرحله کمی و به منظور تأیید مدل کیفی و فرضیات پژوهش از روش مدلسازی معادلات ساختاری با رویکرد روش حداقل مربعات جزئی^۵ (PLS-SEM) و نرم افزار Smart PLS 3 استفاده شده است. هدف مدل‌یابی ساختاری تأیید مدل کیفی بر اساس داده‌های نمونه‌ای است. دلیل استفاده از این روش بررسی ارتباط چندین متغیر در یک مدل، بررسی میزان اهمیت متغیرها، بررسی ارتباط متغیرهای پنهان و آشکار، قابلیت تحلیل مدل‌های پیچیده و عدم حساسیت به توزیع نرمال داده‌ها می‌باشد. در این راستا پرسشنامه‌ای با توجه به گویه‌های پژوهش که در مرحله کدگذاری باز بدست آمده بودند تهیه شد و تأثیر این گویه‌ها بر الگوی روابط رقابتی مداخله‌ای قدرت‌های منطقه‌ای در بحران ژئوپلیتیکی سوریه و ارتباط این گویه‌ها با مؤلفه‌ها سنجیده شد.

1.Exploration

2.Taxonomy

3.Grounded Theory

4.The Emerging Design

5.Partial Least Squares

در ادامه با استفاده از روش تحلیل عاملی در نرم افزار SPSS میزان ارتباط گویه‌ها و مؤلفه‌ها مورد بررسی قرار گرفت و در صورت ارتباط معنادار گویه‌ها با مؤلفه‌ها، نسبت به حذف گویه‌ها در روش مدلسازی معادلات ساختاری و استفاده از مؤلفه‌ها به عنوان متغیر آشکار و ابعاد مدل به عنوان متغیر پنهان، که مبنای فرضیات پژوهش نیز می‌باشند، در این روش اقدام شد. جامعه آماری پژوهش حاضر کارشناسان حوزه ژئوپلیتیک و روابط بین‌الملل می‌باشد، که از روش نمونه‌گیری تصادفی برای انتخاب آنها استفاده شد. همچنین حجم نمونه در روش مدلسازی معادلات ساختاری با رویکرد روش حداقل مربعات جزئی بر اساس تعداد متغیر پنهان مشخص می‌گردد که در پژوهش حاضر با توجه به وجود ۷ متغیر پنهان، حداقل حجم نمونه بایستی ۸۰ نفر باشد (Kay Wong, 2013: 5). در این راستا با توجه به امکان عدم بازگشت برخی پرسشنامه‌ها ۸۸ پرسشنامه توزیع و در نهایت تعداد ۸۰ پرسشنامه مورد تحلیل قرار گرفت. در ادامه برای اطمینان از روایی سنج، پرسشنامه برای ۵ تن از اساتید متخصص ارسال و پس از دریافت نظرات اصلاحی این خبرگان، پرسشنامه تدوین شد. همچنین برای اطمینان از پایایی ابزار گردآوری داده‌های کمی پژوهش، ضریب آلفای کرونباخ با استفاده از نرم افزار SPSS محاسبه شد که عدد ۰/۷۷ بیانگر مناسب بودن پرسشنامه می‌باشد.

۳. پیشینه پژوهش

در خصوص بحران سوریه و متغیرهای مرتبط با آن پژوهش‌های مختلفی انجام شده که برای بررسی پیشینه پژوهش حاضر به برخی از آنها که مرتبط با روابط قدرت‌های منطقه‌ای در این بحران می‌باشد، اشاره می‌شود. در متون فارسی، حمیدی و قاسمی در مقاله‌ای با عنوان «راهبرد امنیتی قدرت‌های منطقه‌ای ایران، ترکیه و اسرائیل در قبال بحران سوریه (۲۰۱۴-۲۰۱۱)»، با بررسی سیاست خارجی ترکیه در بحران سوریه، این سیاست را چرخش‌های متعدد از میانجی‌گری به مدیریت مخالفان تا تهدید به جنگ بر می‌شمردند. همچنین راهبرد امنیتی اسرائیل را حفظ منافع خود در بلندی‌های جولان و بسط نفوذ ایران در منطقه با همراهی ترکیه می‌دانند و در نهایت به تبیین راهبرد امنیتی ایران را در حفظ دولت بشار اسد و چهارچوب موازنه تهدید اسرائیل می‌پردازند (Hamidi & Ghasemi, 2015). نیاکوئی و ستوده در مقاله‌ای با عنوان «الگوی

تقابل بازیگران منطقه‌ای و فرامنطقه‌ای در منازعات داخلی سوریه و عراق (۲۰۱۵-۲۰۱۱)، رویکردهای متعارض بازیگران و ائتلاف‌ها در منازعات داخلی سوریه را بر مبنای الگوی کلان امنیتی کشمکش در راستای موازنه قدرت منطقه‌ای، قابل درک می‌دانند که این الگوی کلان در پویای امنیت جدید، کشمکش بازیگران و ائتلاف‌ها بر سر حفظ موازنه در مقابل تغییر موازنه را در پی داشته است (Niakooyi & Setoodeh, 2016). صادقی، اخوان کاظمی و لطفی طی مقاله‌ای با عنوان «بحران سوریه و مناقشه ژئوپلیتیکی قدرت‌های منطقه‌ای»، مواضع کشورهای ترکیه و عربستان در قبال بحران سوریه را در چهارچوب واقع‌گرایی تهاجمی و برای افزایش قدرت نسبی و ارتقای جایگاهشان در منطقه خاورمیانه و مواضع ایران در چهارچوب واقع‌گرایی تدافعی و برای افزایش امنیت نسبی دولت - ملت‌های ایران و سوریه قابل درک می‌دانند (Sadeghi, Akhavan kazemi & Lotfi, 2015). سلطانی نژاد، ابراهیمی و نجفی در مقاله‌ای با عنوان «منافع و ملاحظات قدرت‌های منطقه‌ای در بحران سوریه»، اهداف قدرت‌های منطقه‌ای ایران، عربستان و ترکیه را در بحران سوریه در راستای سه الگوی نظم شیعی مورد نظر ایران، الگوی سلفی مورد نظر عربستان و الگوی اخوانی ترکیه بر می‌شمرند (Soltani nezhad, Ebrahimi & Najafi, 2016). در متون انگلیسی، کسینجر^۱ در کتاب «World Order» بیان می‌دارد تحولات سوریه که به دنبال بهار عربی شکل گرفت نه تنها به برقراری دموکراسی منتهی نشد، بلکه منجر به شروع دوباره اختلافات دیرینه قومی و مذهبی در سوریه شده و جنگ داخلی برای کسب قدرت به اوج خود رسیده است. در این میان قدرت‌های منطقه‌ای و جهانی نیز هر یک به حمایت از گروه و فرقه متحد خود در داخل سوریه پرداخته‌اند که منجر به مضاعف شدن درگیری و جنگ داخلی سوریه شده است (Kissinger, 2014). زاخیم^۲ در مقاله‌ای با عنوان «The Middle East in Conflict: the Empires strike back»، ضمن بررسی جنگ سوریه و بحران پناهندگان آن و دیگر چالش‌های خاورمیانه، پیش‌بینی می‌کند برخی کشورهای منطقه از جمله سوریه تجزیه می‌شوند. همچنین نویسنده در خصوص بحران سوریه معتقد است تأثیر بحران در سوریه بر سه کشور غیر عربی

1Kissinger, Henry

2Zakheim, Dov S

ایران، ترکیه و اسرائیل منجر به واکنش این کشورها شده که مضاعف شدن بحران را در پی داشته است و رقابت سه کشور ایران، عربستان و ترکیه در سوریه در راستای تلاش این کشورها برای تسلط بر خاورمیانه مسلمان است (Zakheim, 2015). کامروا^۱ در مقاله‌ای با عنوان « Multipolarity and Instability in the Middle East»، ضمن بررسی تحولات خاورمیانه پس از ۲۰۱۱، وضعیت سوریه را ناشی از کاهش نقش ایالات متحده آمریکا به عنوان توازن دهنده قدرت، افزایش رقابت ایدئولوژیک میان ایران و عربستان و در نهایت رقابت قدرت‌های منطقه‌ای در این کشور می‌داند (Kamrava, 2018). الرواشده^۲ طی مقاله‌ای با عنوان « International and Regional Political Competitions in Syria "Geopolitical dimensions"» رقابت‌های سیاسی آمریکا، روسیه به عنوان بازیگران بین‌المللی و ایران، ترکیه، عربستان و اسرائیل به عنوان بازیگران منطقه‌ای در بحران سوریه را ناشی از منافع ژئوپلیتیکی این بازیگران می‌داند و به تشریح این منافع می‌پردازد (Al-Rawashdeh, 2018). ایوب^۳ در مقاله‌ای با عنوان « The Arab Spring: Its Geostrategic Significance»، ضمن بررسی جنگ داخل سوریه با حضور گروه‌های داخلی، این درگیری را بازتابی از رویارویی عربستان و ایران می‌داند و برآیند روابط قدرت‌های منطقه‌ای ایران، ترکیه و عربستان و فرامنطقه‌ای آمریکا و روسیه در بحران سوریه را شکل دهنده نظام منطقه‌ای چند دهه آینده خاورمیانه می‌داند (Ayoob, 2012).

۴. مبانی نظری پژوهش

۴-۱. مفهوم شناسی بحران

معنای اصلی واژه «بحران» به لغت یونانی «Krinein» بر می‌گردد که به نقطه عطف اشاره دارد. در ادبیات علوم سیاسی، مفهوم بحران با معانی گوناگونی همچون وحشت، فاجعه، مصیبت، خشونت بالقوه و بالفعل و یا به عنوان نقطه عطفی در تحلیل‌های تصمیم‌گیری به کار گرفته شده است و معمولاً بحران را مترادف درگیری به کار می‌برند (Vaezi, 2013: 31). بحران از لحاظ سیاسی

1 Kamrava, Mehran

2 Al-Rawashdeh, Mohammad Salim

3 Ayoob, Mohammed

عبارتست از وجود بالقوه و بالفعل وضعیتی که بتواند در سطح داخلی یا خارجی، دولت یا کشوری را با یک خطر بزرگ نظیر تغییر حکومت، وقوع کودتا، بروز جنگ داخلی، وقوع پیوستن جنگ خارجی محدود، منطقه‌ای و یا بین‌المللی در مورد دولت‌های بزرگ، دولت‌هایی که توانایی بالقوه و بالفعل لازم برای ایجاد یک جنگ و ادامه آن را دارند، مواجه سازد. بدین ترتیب در عبارتی ساده بحران عبارتست از وضعیتی که بطور بالقوه بتواند صلح مستقر را به جنگ و اغتشاش مبدل سازد (Shahvary, 1996: 4). زمانی بحران حادث می‌شود که ارزش‌ها، منافع و هدف‌های عالی و مهم خاصی مورد تهدید قرار گرفته باشد. این تهدید ممکن است از محیط داخلی باشد یا سرچشمه در محیط بین‌المللی داشته باشد (Kazemi, 2003: 54). اصولاً بحران را می‌توان به عنوان تغییر در نوع یا افزایش شدت تعاملات آشوب‌ساز دانست که روابط بین واحدها و یا ساختارها و فرآیندهای سیستمی را بی‌ثبات نموده و به چالش می‌کشد. بحران‌ها با اقدامات، حوادث و یا تغییرات محیطی مشخص می‌گردد که قبل از وقوع تخصصات نظامی بروز می‌نمایند. همچنین بحران‌ها صرفاً قبل از جنگ‌ها رخ نمی‌دهند، بلکه امکان دارد جنگ نیز بحران‌های متعددی را در پی داشته باشد (Ghasemi, 2010: 269).

۲-۴. بحران بین‌المللی

با وجود آنکه اصطلاح «بحران» حدود و ثغور مشخصی ندارد و ممکن است در برگیرنده حوادث و اتفاقات داخلی یا خارجی ملل با آثار متفاوت باشد، از نظر سیاست بین‌المللی بحرانی که ما از آن صحبت می‌کنیم عموماً مربوط به حوادثی می‌گردد که دولت‌ها مستقیماً در آن ذینفع می‌باشند. البته ترسیم مرز مشخص بین بحران‌های داخلی و بین‌المللی در شرایط کنونی دنیای ما، تا حدودی غیر ممکن به نظر می‌رسد؛ چون یک بحران داخلی که در چهار دیوار یک کشور حادث می‌گردد، می‌تواند حوادث، عواقب و آثار بسیار تعیین‌کننده‌ای در خارج از مرزهای آن کشور داشته باشد و در نتیجه ابعاد وسیعی از کره خاکی را در بر بگیرد (Kazemi, 2010: 270). در سطح بین‌المللی بحران‌های سیاسی عامل بروز تنش در روابط دولت‌ها با یکدیگر می‌باشند و ممکن است به سردی روابط، قطع روابط و حتی جنگ و درگیری منجر شوند (Hafeznia, 2014: 129). برچر بحران بین‌المللی را حادثه، عمل یا تغییر وضعیتی می‌داند که از طریق دو

شرط لازم و کافی قابل تشخیص و شناسایی می‌باشد. دگرگونی در نوع و افزایش شدت واکنش‌های متقابل شکننده بین دو یا چند دولت با تشدید احتمال مخاصمات و درگیری‌های نظامی که طبعاً روابط آنها را بی‌ثبات می‌کند و ساختار نظام بین‌الملل موجود را به چالش می‌کشد (Brecher & Other, 1988: 3). در تعریفی دیگر اسنایدر و دانسینگ بحران در سیستم بین‌الملل را این‌گونه تعریف می‌کنند: بحران برآیند تعامل دو یا چند دولت دارای حاکمیت در قالب یک منازعه شدید است که نازلتر از جنگ عملی بوده و در عین حال متضمن احتمال بسیار بالا و خطرناک بروز جنگ است (Snyder & Diesing, 1978: 6). به اعتقاد برچر بروز بحران ارتباط مستقیمی به درک بازیگران از اوضاع بین‌المللی دارد. این تصورات که بوسیله یک عامل خصومت آمیز، یک واقعه اختلاف‌انگیز یا یک تغییر محیطی بوجود می‌آیند عبارتند از: ۱. تهدید یک یا چند ارزش اساسی بازیگران؛ ۲. کمبود زمان برای واکنش؛ ۳. افزایش احتمال درگیری بازیگران در مخاصمات نظامی (Brecher, 2003: 25). از دیدگاه مایکل برچر یک بحران بین‌المللی دارای مراحل و دوره‌های زیر می‌باشد که بازیگران در هر مرحله و دوره با توجه به ادراک خویش از بحران، دارای تعاملات ویژه‌ای با یکدیگر می‌باشند (Brecher, 2003: 59):

جدول شماره ۱: الگوی بحران بین‌المللی: مراحل و دوره‌ها از دیدگاه مایکل برچر

مراحل	پیدایش	گسترش	کاهش	تأثیر
تعامل	وخامت اولیه	اوج وخامت	سازش	کنش متقابل غیربحرانی
دوره	مائل بحران	بحران	پایان بحران	مابعد بحران
ادراک	تهدید بیش از حد معمول به ارزش (فشار روانی فزاینده)	تهدید حاد + فشار محدودیت زمان + ازدیاد احتمال جنگ (حداکثر فشار روانی)	کاهش تهدید، فشار زمانی و احتمال جنگ (فشار روانی در حال کاهش)	مادون بحران بدون سطح تهدید، زمان و جنگ (نبود فشار روانی معطوف به بحران)

۳-۴. بحران ژئوپلیتیکی^۱

بحران‌های ژئوپلیتیکی نوع خاصی از بحران‌های بین‌المللی هستند که از منشأ جغرافیای سیاسی برخوردارند (Valigholizdeh, 2015: 35). حافظ نیا بحران ژئوپلیتیکی منازعه و کشمکش کشورها و گروه‌های متشکل سیاسی - فضایی و بازیگران سیاسی بر سر کنترل و تصرف یک یا چند ارزش و عامل جغرافیایی می‌داند که دارای ویژگی‌های زیر می‌باشند:

¹Geopolitical crisis

الف. موضوع و عامل بحران، کنترل، مداخله و تصرف یک یا چند ارزش جغرافیایی اعم از طبیعی و انسانی است. نظیر مکان، فضا، موقعیت، آب، ابر، منبع معدنی، مردم همکیش، اقلیت‌ها، زیارتگاه، بازار صادراتی، مسیر انتقال کالا، انرژی، توریسم، جزیره، تنگه، خط مرز، مکان مذهبی، قدرت منطقه‌ای، مداخله‌گران برون منطقه‌ای و نظایر آن.

ب. بحران ژئوپلیتیکی از پایداری و تداوم نسبی برخوردار است و به سادگی قابل حل و برطرف شدن نیست. زیرا موضوع بحران و کشمکش ارزش‌های جغرافیایی هستند که در زمره منافع ملی و جمعی محسوب می‌گردند.

ج. حل بحران ژئوپلیتیک مستلزم وجود فضای حسن نیت و روابط دوستانه بین طرفین موضوع بحران، تقسیم پذیر بودن ارزش جغرافیایی و منفعت متعارض، نامتوازن بودن مناسبات قدرت به طوری که یک طرف منازعه از قدرت برتر برخوردار بوده، می‌باشد. چنانچه بحران ژئوپلیتیکی با روش‌های مصالحه آمیز حل نشود و تداوم بحران نوعی بی‌صبری را در یکی از طرفین سبب شده و یا تلقی تحول در موازنه قوی و یا احساس تهدید پدید آید، چنین منازعه‌ای به جنگ تبدیل می‌شود.

د. بحران‌های ژئوپلیتیکی هر چند شکل سیاسی به خود می‌گیرند ولی با نوع خاص بحران‌های سیاسی تفاوت می‌کنند. برخلاف بحران‌های ژئوپلیتیکی که دیرپایی از ویژگی‌های آنهاست، بحران‌های سیاسی زودگذر بوده و به سادگی قابل حلند.

ه. در بحران‌های ژئوپلیتیکی الگوی مداخله چند سطحی شکل می‌گیرد. به عبارتی سطوح مختلفی از بازیگران در ارتباط با بحران درگیر می‌شوند (Hafeznia, 2014: 127-130).

۴-۴. مدیریت بحران ژئوپلیتیکی

از نظر کارشناسان مسائل سیاسی هر بحرانی دارای دو جنبه است. یکی شناخت زمینه‌ها و شرایط بروز بحران که در سطور پیشین بدان پرداخته شد و دیگری کنترل و هدایت آن بحران است که اصطلاحاً مدیریت بحران نامیده می‌شود و هدف از آن به حداقل رسانیدن ضرر و بهره‌برداری حداکثری از منافع می‌باشد (Qhavam, 2010: 263). شرایط مدیریت بحران در نظام بین الملل

حول سه متغیر تعیین کننده است: توزیع قدرت در نظام بین‌الملل، ساختار تصمیم‌گیری قدرت-های بزرگ و فرهنگ استراتژیک حاکم بر رفتار این قدرت‌ها (Vaezi, 2010: 9). با در نظر گرفتن این سه متغیر، راهبردهای مختلف مدیریت بحران ژئوپلیتیکی به وسیله دولت‌ها، جهت مواجهه با بحران بکار برده می‌شود. از نظر برچر این راهبردها طیفی از مذاکره، میانجیگری، داوری و رسیدگی قضائی به عنوان راهکارهای مسالمت‌آمیز و فشار غیر نظامی، اعمال نظامی غیر خشونت‌آمیز و خشونت غیر مستقیم و مستقیم به عنوان راهکارهای غیر مسالمت‌آمیز را در بر می‌گیرد (Brecher, 2003: 71). قوام راهکارهای مسالمت‌آمیز حل بحران را مذاکره دیپلماتیک، پایمردی، سازش، میانجیگری، کمیسیون آشتی بین‌المللی، کمیسیون تحقیق بین‌المللی، سازمان ملل متحد، داوری بین‌المللی و دادرسی بین‌المللی می‌داند (Qhavam, 2010: 269-271). در راهکارهای غیر مسالمت‌آمیز در مقایسه با مذاکره، میانجی‌گری یا سایر راهکارهای مسالمت‌آمیز، مدیریت بحران با ایجاد تهدید معطوف به ارزش، وحشت و عدم اعتماد حادثتری در میان متخاصمین است که در این وضعیت خشونت شدیدتر، در مقایسه با برخوردهای ناچیز، شکنندگی بیشتری را بوجود می‌آورد (Brecher, 2003: 72). در رفتار خشونت‌آمیز با توجه به اینکه اغلب بحران‌ها از آنجا ناشی می‌شود که یکی از طرفین درگیر به وسایل و تمهیداتی برای وادار کردن طرف دیگر به قبول شرایط یا موضع خود فشار و تهدیداتی وارد می‌آورد، بنابراین می‌توان گفت که مهار و مدیریت بحران با این شیوه، به معنی آنست که طرف مقابل بتواند با تهدید قابل‌باور به تشدید بحران، حریف خود را از تشدید بحران باز دارد و بحران را موافق با منافع خودش تخفیف دهد (Dougherty and Pfaltzgraff, 2011: 751).

۴-۵. روابط ژئوپلیتیکی

رقابت‌های قدرتی برای ایجاد برتری نسبت به رقیبان، پیوسته هسته مرکزی مباحث و کارکرد ژئوپلیتیک پویا بوده است (Mojtahedzadeh, 2002: 137). الگوی روابط ژئوپلیتیکی به شکل، اندازه و خصوصیات جغرافیایی فیزیکی و انسانی واحدهای ژئوپلیتیکی و نیز شبکه‌هایی اشاره دارد که آنها را به یکدیگر پیوند داده و از دیگر واحدها متمایز می‌سازد (Cohen, 2008: 77).

روابط ژئوپلیتیکی، روابطی هستند بین کشورها و دولت‌ها و بازیگران سیاسی که بر پایه ترکیب عناصر سیاست، قدرت و جغرافیا برقرار می‌شوند. در شکل‌گیری هرگونه رابطه بین بازیگران، عنصر سیاست در قالب بازیگر سیاسی، یا اراده‌ای که به ماهیت رابطه شکل می‌دهد و نیز اقدامات و کنش‌هایی که توسط بازیگر انجام می‌شود، پدیدار می‌گردد. عنصر قدرت در شکل دادن به الگو و ماهیت رابطه و نگرش بازیگران نسبت به هم تجلی پیدا می‌کند. عنصر جغرافیا نیز نقش بستر ساز را ایفا کرده و انگیزه‌های لازم برای شکل‌گیری اراده سیاسی رابطه، تجلی فضایی رابطه و نیز تأثیرگذاری بر سطح قدرت بازیگر را سبب می‌شود. روابط ژئوپلیتیکی بین بازیگران از الگوهای سلطه و استیلا، تحت سلطه، تعامل و تعادل، نفوذ و رقابت تشکیل می‌شود. این الگوها اساساً از پویایی برخوردار بوده و در دوره‌ی ثبات یا تحول آنها تابعی از نحوه‌ی ترکیب و تحول عناصر سه گانه جغرافیا، قدرت و سیاست می‌باشد (Hafeznia, 2014: 362).

۱-۵-۴. رابطه‌ی تعاملی^۱

رابطه‌ی مبتنی بر برابری قدرت را رابطه‌ی تعاملی گویند. در این نوع ارتباطات طرفین از سطح نسبتاً برابر قدرت و وزن ژئوپلیتیکی برخوردارند. دولت‌ها و بازیگران در چارچوب این گونه روابط تعادلی ضمن اینکه نگرش احترام‌آمیز نسبت به یکدیگر دارند ولی همواره به چشم رقیب به همدیگر نگریسته و در پرتو ادراک از منافع ملی خود و نیز منافع متعارض منطقه‌ای یا جهانی، با یکدیگر محتاطانه برخورد می‌کنند و نسبت به اهداف یکدیگر بدگمانند (Hafeznia, 2014: 363).

۲-۵-۴. رابطه‌ی نفوذ^۲

قدرت را معمولاً به عنوان رابطه‌ی نفوذ و تأثیرگذاری- توانایی یک بازیگر برای واداشتن بازیگر دیگر به انجام عمل مطلوب خود یا بازداشتن وی از رفتار نامطلوب- تلقی کرده‌اند (Dougherty). (Pfaltzgraff, 2011: 151) یا به تعریف دیگر نفوذ عبارت از رابطه میان بازیگرانی است که در آن یک بازیگر، بازیگران دیگر را وادار می‌کند به طریقی که خواست خود آنها نیست عمل کنند

1.Cooperative Relationship

2.Influence Relationship

(Alem, 2012: 95). گفته شده است که توانایی اعمال نفوذ بر دیگری بدون صرف عملی قابلیت‌ها نماینده مؤثرترین نوع استخدام قدرت است. در این مفهوم آنچه حائز اهمیت است استفاده از قدرت به شیوه کارزارهای نظامی نیست بلکه نوعی هیبت سیاسی است که بنا به ادعا به واسطه تصور دارا بودن قدرت، در دل دیگران ایجاد می‌شود (Dougherty & Pfaltzgraff, 2011: 151).

۳-۵-۴. رابطه سلطه^۱

رابطه سلطه و تفوق از نابرابری قدرت ناشی می‌شود. به طوری که رابطه ای یک سویه و از بالا به پایین بین دولت و بازیگر قوی با دولت ضعیف و کم قدرت شکل می‌گیرد و دولت قدرتمند سرنوشت دولت ضعیف را به طور مستقیم و غیر مستقیم تعیین می‌کند. الگوی رابطه تابعی از نسبت قدرت بین دولت قوی و ضعیف است. برقراری رابطه سلطه روش‌های مختلفی دارد. سلطه می‌تواند مستقیم باشد یعنی فرامین و اراده سلطه‌گر توسط نمایندگان دولت سلطه‌گر و در سرزمین و قلمرو جغرافیایی و ملت تحت سلطه به اجرا در آید نظیر، مستعمره‌ها و یا دولت‌ها و سرزمین‌های اشغال شده نظامی. همچنین سلطه می‌تواند غیر مستقیم باشد و آن اجرای اراده، سیاست و اهداف سلطه‌گر از طریق واسطه‌های اقتصادی، اجتماعی و سیاسی در قلمرو جغرافیایی سلطه‌می‌باشد. نظیر دولت‌های ملی دست‌نشانده، امپریالیسم اقتصادی، گروه‌ها و نخبگان اجتماعی و غیره (Hafeznia, 2014: 364-365).

۴-۵-۴. رابطه رقابتی^۲

در رقابت دو یا چند قدرت به طور همزمان دست به اقداماتی می‌زنند تا از ارزش‌های جغرافیایی سهم بیشتری کسب نمایند. رقابت در صورت استمرار و کسب احاطه بر ارزش‌های رقیب می‌تواند تبدیل به می‌تواند تبدیل به «منازعه ژئوپلیتیکی» شود (Ahmadi, Badiee & Heidari, 2017: 60). همچنین این رابطه بر پایه برابری نسبی قدرت بین بازیگران شکل می‌گیرد و بازیگران بر اساس منافع متعارض با هم رقابت می‌کنند تا حریف و رقیب را از دستیابی به فرصت‌ها بازدارند. رقابت به مجموعه تلاش‌ها و فعالیت‌هایی اطلاق می‌شود که با هدف کسب برتری و

1.Dominance Relationship
2 Competitive Relationship

سیادت در زمینه خاص بین بازیگران انجام می رقابت از اشکال مختلفی به شرح زیر برخوردار است:

- یکی از انواع رقابت بین دو یا چند قدرت همتراز نظیر قدرت‌های جهانی یا منطقه‌ای می‌باشد که طرفین ضمن رعایت اصل تعادل و توازن در مناسبات و احترام متقابل، با یکدیگر با احتیاط برخورد نموده و نسبت به هم بدگمان می‌باشند.

- رقابت بین دو قدرت ناهمسطح درجه ۱ و ۲، معمولاً قدرت‌ها و بازیگران درجه ۲ سعی می‌کنند از اراده قدرت درجه ۱ جهانی یا منطقه‌ای سرپیچی کنند.

- رقابت مداخله‌ای، این نوع رقابت بین بازیگران در قلمرو جغرافیایی و یا کشور ثالث و بر اساس منافع متعارض رخ می‌دهد.

- رقابت اقتصادی، این نوع رقابت در سطح دولت‌ها و کشورها برای دسترسی به منابع و مواد اولیه و بازارهای مصرف تولیدات مربوطه و با هدف قطبی سازی و یکپارچگی اقتصاد جهانی انجام می‌پذیرد گردد (Hafeznia, 2014: 370-371).

۶-۴. عوامل جغرافیایی و ژئوپلیتیکی مؤثر در بحران ژئوپلیتیکی

منظور از عوامل جغرافیایی مؤثر در روابط ژئوپلیتیک، عوامل و پدیده‌های محیطی و جغرافیایی هستند که به صورت مستقیم، سیاست داخلی و خارجی کشورها را تحت تأثیر قرار داده و به عنوان بستری طبیعی با پایداری نسبی، قالب و چهارچوب مشخص، عینی و واقعی جهت تدوین استراتژی‌های خرد و کلان کشورها در عرصه‌های ملی و فراملی را ارائه می‌دهند. همچنین منظور از بنیان‌های ژئوپلیتیکی مؤثر در روابط ژئوپلیتیکی متغیرهایی هستند که حاصل روابط متقابل عوامل جغرافیایی، محیطی و عامل سیاست و قدرت است که در این رابطه عوامل جغرافیایی و محیطی به عنوان متغیر مستقل و عامل سیاست و قدرت به عنوان متغیر وابسته نقش آفرینی می‌کنند (Hosseinpour Pouyan, 2013: 168-169). اما برخی از این عوامل مؤثر جغرافیایی و ژئوپلیتیک مؤثر در روابط ژئوپلیتیک منجر به ایجاد بحران ژئوپلیتیکی می‌شوند که در جدول شماره ۲ با بررسی برخی نظریات مختلف در خصوص بحران، تنش و منازعه در روابط کشورها، به مؤلفه‌های جغرافیایی و ژئوپلیتیکی مؤثر در بحران از منظر این نظریات اشاره می‌شود.

جدول شماره ۲: مؤلفه‌های جغرافیایی و ژئوپلیتیکی در نظریات بحران، تنش و منازعه

نظریه	واضع / ایده اصلی	مؤلفه‌های جغرافیایی و ژئوپلیتیک مؤثر در بحران
ظهور و سقوط بحران (Brecher, 1993)	مایکل برچر/ تبیین علل و ریشه‌های بروز یک بحران، مراحل، ابعاد و پیامدهای مختلف آن	ساختار نظام بین الملل از لحاظ دو قطبی یا چند قطبی بودن، سطح بحران در نظام بین الملل، اقدامات خشونت آمیز و تهدید ارزش‌های اساسی همانند ارزش‌های جغرافیایی، دخالت قدرت‌های بزرگ در بحران، مداخله و تأثیرگذاری سازمان‌های بین المللی، اختلاف سطح قدرت طرف‌های درگیر، ماهیت رژیم‌های درگیر از لحاظ رویکرد نظامی داشتن بودن، فاصله جغرافیایی کشورهای درگیر نسبت به منطقه بحران، وسعت سرزمینی کشورهای درگیر در بحران، بی ثباتی داخلی کشورهای درگیر در بحران، تعدد بازیگران دخیل در بحران، نا همسانی نظام سیاسی، اقتصادی و فرهنگی کشورهای دخیل در بحران، واکنش طرف‌های درگیر در بحران، اهمیت ژئواستراتژیک منطقه بحران، جرقه و موضوعات شکل دهنده بحران از لحاظ نظامی، سیاسی، اقتصادی، فرهنگی، نحوه مدیریت بحران توسط کشورهای درگیر، نتیجه یک بحران از لحاظ توافق یا عدم توافق طرفهای درگیر.
هرج و مرج آینده (Kaplan, 2001)	رابرت کاپلان/ نقش عوامل زیست محیطی در بحران	عوامل زیست محیطی همچون کمبود منابع خصوصاً آب، منجر به افزایش آگاهی هویت قومی و ایجاد بحران.
مدل‌های پوینتکا (Hagget, 1983)	پیتر هاگت/ توجه به عوامل سرزمینی و هیدروپلیتیکی در ایجاد بحران	دسترسی به دریا از طریق کشور همسایه برای کشور محصور در خشکی، خط تقسیم آب در مرزهای کوهستانی، مرز بین المللی رودخانه ای متغیر، مرز در دریاچه‌های مشترک و بهره برداری از منابع آن، برداشت بیشتر آب توسط کشور بالا دست رودخانه، گسترش یک گروه قومی - زبانی به کشور همسایه، استقرار یک گروه اقلیت نژادی و قومی در امتداد مرز بین المللی، جابجایی کوچ نشینان در دو سوی مرز بین المللی، جنبش جدایی طلبان قومی، استقرار یک منبع مهم طبیعی یا فرهنگی در نزدیکی مرز، ادعای یک کشور به خاک کشور همسایه، منازعات بر سر باروری مصنوعی ابرها.
اختلافات تجاری و اقتصادی (Luttwak, 1990)	ادوارد ان. لوتواک/ اهمیت عوامل اقتصادی در بروز بحران در روابط میان کشورها	عوامل ژئواکونومیک.
ایجاد منازعه و بحران (Kemp & Harkavy, 2004)	جفری کمپ و رابرت هارکاو/ عوامل ژئوپلیتیک و جغرافیایی مؤثر در ایجاد بحران در خاورمیانه	روندهای جمعیتی همچون مهاجرت، جنگهای قومی، مذهبی و داخلی، اختلافات سرزمینی لاینحل، کمبود آب آشامیدنی.
برخورد تمدنها (Huntington, 1997)	ساموئل پی. هانتینگتون/ اهمیت عوامل فرهنگی در نظام جهانی	عوامل فرهنگی منجر به ایجاد تعارض میان تمدن‌های مختلف از قبیل دین، زبان، تاریخ و آداب و رسوم.
تنش در روابط کشورها (Collins, 1998)	جان کالینز/ اهمیت عوامل جغرافیایی در بروز بحران	اختلافات مذهبی، قومی، زبانی و نژاد، اختلافات فرهنگی همچون آداب و رسوم، ادعاهای مرزی و سرزمینی، تلاش برای کنترل نقاط و مکانهای راهبردی نظیر تنگه‌ها، رقابتهای اقتصادی برای کنترل مناطق دارای ذخایر هیدروکربنی، اختلافات زیست محیطی همچون آلودگی هوا.
کمربندهای شکننده (Cohen, 2008)	سول بی. کوهن/ رقابت قدرت‌های منطقه‌ای و جهانی منجر و ایجاد بحران در مناطق	بحران رقابت قدرت‌های جهانی دو حوزه ژئواستراتژیک بری و بحری در خاورمیانه، بحران ناشی از رقابت قدرت‌های منطقه‌ای در خاورمیانه.
منازعات مرزی و بحران (Prescott, 1972)	جان رابرت پرسکات / تأثیر منازعات مرزی در ایجاد بحران میان کشورها	اختلافات و ادعاهای سرزمینی، اختلافات بر سر موقعیت و مکان قرارگیری مرزها، اختلافات و مناقشات بر سر کارکرد مرزها، اختلاف بر سر استفاده از منابع آبی و هیدروکربنی مشترک در مکانهای مرزی.
مدل بحران ژئوپلیتیکی (Hafeznia, 2014)	محمد رضا حافظ نیا /عوامل جغرافیایی و ژئوپلیتیکی مؤثر در بحران	موقعیت، مکانها و فضاها، جغرافیایی، منابع آب، معدنی و انرژی، مردم همکیش و اقلبتهای مذهبی، نژادی، زبانی، مکانهای مذهبی و زیارت‌نگاه‌ها، مسیر انتقال کالا و انرژی، بازارهای صادراتی و توریسم، جزایر و تنگه‌ها، خط مرزی، قدرت منطقه‌ای مداخله‌گران برون منطقه‌ای.

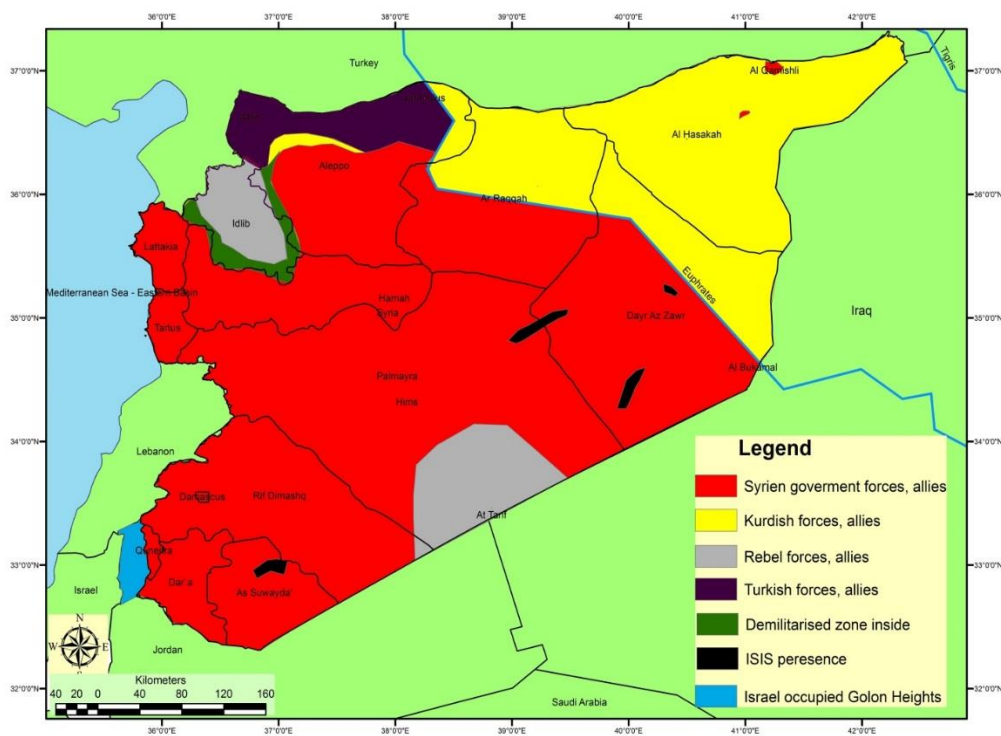
۵. یافته ها

۱-۵. محیط شناسی

جمهوری عربی سوریه با مساحتی حدود ۱۸۵۱۸۰ کیلومتر مربع در جنوب غرب آسیا و ساحل شرقی دریای مدیترانه واقع گردیده است. این کشور دارای ۸۴۵ کیلومتر مرز با ترکیه از شمال، ۵۹۶ کیلومتر مرز با عراق از شرق و جنوب شرقی، ۳۵۶ کیلومتر مرز با اردن از جنوب و جنوب غربی، ۳۵۹ کیلومتر مرز با لبنان از غرب و جنوب غربی، ۷۴ کیلومتر مرز با اسرائیل از جنوب غرب و ۱۸۳ کیلومتر ساحل در شرق با دریای مدیترانه می باشد. در خصوص ویژگی های جمعیت شناسی این کشور بایستی بیان نمود که پس از آغاز بحران ژئوپلیتیکی سوریه در سال ۲۰۱۱ تا زمان این پژوهش با توجه به جنگ و مهاجرت های گسترده در این کشور آمار دقیقی از جمعیت و نسبت های قومیتی و مذهبی در دسترس نمی باشد، ولی پیش از آغاز بحران، جمعیت این کشور حدود ۲۲ میلیون نفر بوده است که از نظر قومیتی حدود ۸۷ تا ۹۰ درصد عرب، حدود ۷ تا ۱۰ درصد کرد، حدود ۳ درصد ترک ها و ارمنی ها بوده اند، همچنین از نظر مذهبی نیز حدود ۷۴ درصد جمعیت این کشور اهل تسنن، حدود ۱۳ درصد علویان و شیعیان، حدود ۱۰ درصد مسیحیان و حدود ۳ درصد نیز دروزی ها و سایر مذاهب بوده اند.

در ادامه محیط شناسی پژوهش و به منظور نشان دادن حضور نیروها و مناطق تحت کنترل طرفین بحران سوریه تا پایان سال ۲۰۱۸، با توجه به مطالعات کتابخانه ای و منابع اینترنتی نقشه ای با نرم افزار GIS تهیه شد. رنگ قرمز مناطق تحت کنترل دولت اسد با حضور نیروهای این دولت و متحدینش را نشان می دهد که در داخل سوریه علویان، شیعیان، مسیحیان و دروزی ها مهمترین متحدین اسد می باشند و در بعد منطقه ای نیروهای ایران، حزب الله و شبه نظامیان شیعی عراقی به حمایت از حکومت اسد می پردازند؛ در بعد فرامنطقه ای نیز نیروهای روسیه متحد قدرتمند دولت اسد هستند. رنگ زرد مناطق تحت کنترل کردها با حضور یگان های مدافع خلق کردی و نیروهای دموکراتیک سوری با اکثریت کردها را نشان می دهد که مورد حمایت نیروهای آمریکا و اتحادیه اروپا قرار دارند. رنگ خاکستری ترکیبی از نیروهای بنیادگرای مذهبی همچون هیأت تحریر سوریه، نیروهای ارتش آزاد و شورای ملی سوریه به عنوان مخالفین حکومت اسد

را نشان می‌دهد که به صورت مستقیم و غیر مستقیم مورد حمایت آمریکا، اتحادیه اروپا، ترکیه و عربستان و برخی کشورهای عرب منطقه قرار دارند؛ هر چند که این گروه‌ها اختلافات زیادی با یکدیگر دارند و به صورت یکپارچه عمل نمی‌کنند. رنگ بنفش مناطقی که نیروهای ترکیه و گروه‌های معارض مورد حمایت این کشور از جمله ترکمن‌ها، شورای ملی سوریه متشکل از اخوان المسلمین، مخالفان سکولار به همراه ارتش آزاد سوریه، حضور دارند را نشان می‌دهد. رنگ سبز منطقه غیرنظامی است که در توافقات سران روسیه، ترکیه و ایران جهت حفظ جان غیر نظامیان مشخص شده است. رنگ سیاه اندک باقیمانده نیروهای داعش در سوریه است که به صورت پراکنده می‌باشند. رنگ آبی نیز بلندی‌های جولان تحت اشغال اسرائیل را نشان می‌دهد.

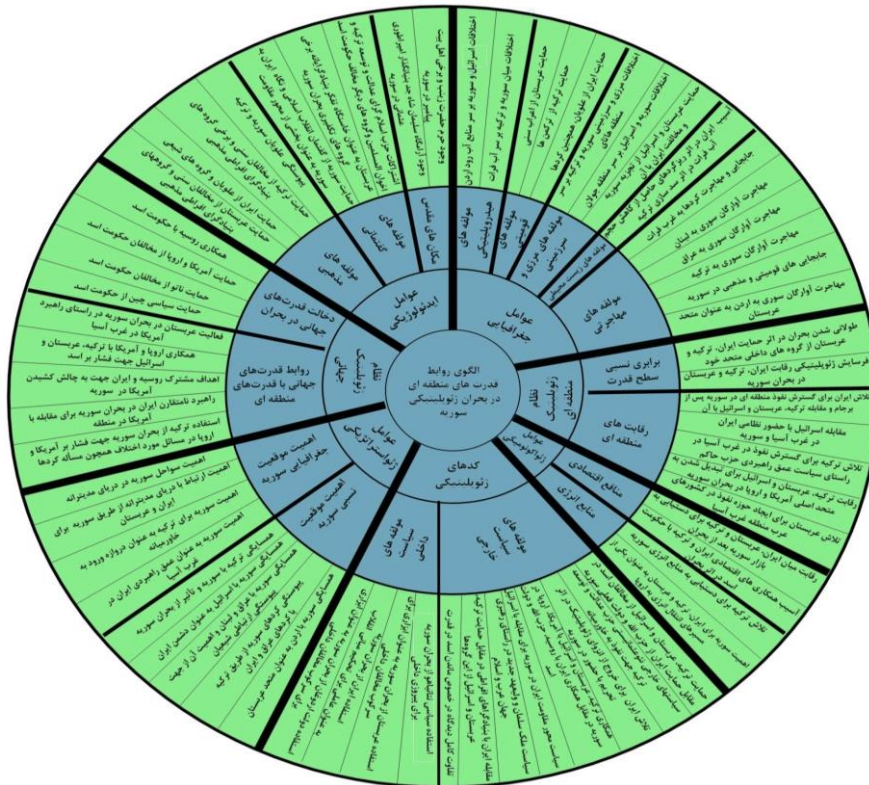


نقشه ۱: وضعیت مناطق تحت کنترل و نیروهای حاضر در سوریه (۲۰۱۹)

۲-۵. مؤلفه ها و ابعاد اصلی بحران سوریه

پس از انجام مصاحبه کتبی با خبرگان و مطالعه نظریات مرتبط با بحران‌های ژئوپلیتیکی و مقالات، کتب و اسناد مربوط به بحران ژئوپلیتیک سوریه، بروی داده‌های کیفی بدست آمده فرآیند انجام کدگذاری مبتنی بر روش مقایسه‌های ثابت انجام شد که در این بخش به تحلیل تطبیقی بخش‌های متفاوت از داده‌های موجود برحسب شباهت‌ها و تفاوت‌ها پرداختیم که این فرآیند تا اشیاع یک گویه، مؤلفه و بُعد ادامه داده می‌شود (Khaki, 2013: 211). در این فرآیند ابتدا با کدگذاری باز و طبقه‌بندی داده‌ها، مفاهیم اولیه یا گویه‌ها را تولید کرده که در پژوهش حاضر ۶۵ گویه بدست آمد. سپس با کدبندی محوری و طبقه بندی مجدد مفاهیم، ارتباط منطقی و علی بین گویه‌ها را برقرار نموده و مؤلفه‌های پژوهش را بدست آوردیم، که در پژوهش حاضر ۱۸ مؤلفه مشخص گردید. در ادامه با کدگذاری انتخابی و توسعه مؤلفه‌ها به انتخاب و تعیین ابعاد محوری مدل پرداختیم که منجر به کشف ابعاد اصلی مدل پژوهش شد، که در این پژوهش ۷ بُعد اصلی بدست آمد که عبارتند از: عوامل جغرافیایی، عوامل ایدئولوژیکی، عوامل ژئواستراتژیکی، عوامل ژئواکونومیکی، کدهای ژئوپلیتیکی، نظام ژئوپلیتیک جهانی و نظام ژئوپلیتیک منطقه‌ای که به عنوان مبنای فرضیه پژوهش نیز مورد استفاده قرار گرفته‌اند. در پایان مراحل کدگذاری بر اساس روش گراند تئوری الگوی کیفی پژوهش بدست آمد (شکل ۲).

شکل ۲: الگوی کیفی روابط قدرت‌های منطقه‌ای در بحران ژئوپلیتیکی سوریه



در ادامه به منظور آزمون مدل کیفی و فرضیه پژوهش، همچنین مشخص نمودن میزان اهمیت ابعاد و مؤلفه‌ها در مدل پژوهش و ارتباط آنها با یکدیگر، از روش کمی مدلسازی معادلات ساختاری با رویکرد روش حداقل مربعات جزئی استفاده شده است. برای این منظور ابتدا پرسشنامه‌ای که با ۶۵ گویه که در مرحله کد گذاری باز به دست آمده بودند تهیه شد و در این پرسشنامه تأثیر این گویه‌ها بر الگوی روابط قدرت‌های منطقه‌ای در بحران ژئوپلیتیک سوریه و میزان ارتباط گویه‌ها با ۱۸ مؤلفه بدست آمده در مرحله کدگذاری محوری، از حجم نمونه مورد سوال قرار گرفت.

در ادامه با استفاده از روش تحلیل عاملی در نرم افزار SPSS میزان ارتباط گویه ها و مؤلفه‌ها مورد بررسی قرار گرفت. برای این امر از آزمون کفایت نمونه کایزر، میر و اوکلین (KMO) برای مناسب بودن ۱۸ مؤلفه پژوهش استفاده شد؛ که با توجه به اعداد بدست آمده، که همگی بالای ۰/۷ بودند، همبستگی‌های موجود در بین گویه‌ها و مؤلفه‌ها برای تحلیل عاملی مناسب بود. همچنین با انجام تحلیل عاملی مرتبه اول به روی ۶۵ گویه پژوهش، با توجه به اینکه ضرایب بار عاملی برای تمامی گویه‌ها بالای ۰/۵ بدست آمد، انجام تحلیل عاملی مناسب ارزیابی شد. سپس با توجه به معنادار بودن ارتباط گویه‌ها با مؤلفه‌ها، از مؤلفه‌ها به عنوان متغیر آشکار و از ابعاد مدل به عنوان متغیر پنهان در روش مدلسازی معادلات ساختاری استفاده شد، که مبنای فرضیات پژوهش نیز می‌باشند.

در گام بعدی جهت برازش مدل اندازه‌گیری از سه معیار پایایی ترکیبی، روایی همگرا و آلفای کرونباخ استفاده نمودیم. همانطور که در (جدول شماره ۳) مشخص شده، روایی همگرا (که با میانگین واریانس استخراج شده مشخص می‌شود)، پایایی ترکیبی و ضریب آلفای کرونباخ در مورد همه ابعاد مدل بیش از ۰/۷ است، که بیانگر این می‌باشد که این سه معیار برازش مناسب بودن مدل اندازه‌گیری را تأیید می‌کنند.

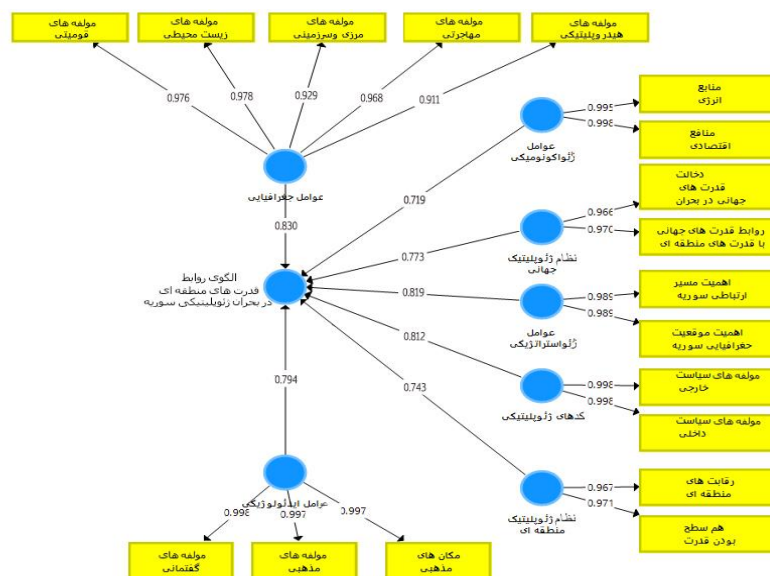
جهت برازش مدل ساختاری نیز از R Squares یا R^2 استفاده شد، که نشان‌دهنده تاثیر یک متغیر برون‌زا بر یک متغیر درون‌زا دارد و سه مقدار ۰/۱۹، ۰/۳۳ و ۰/۶۷ به عنوان مقدار ملاک برای مقادیر ضعیف، متوسط و قوی R^2 در نظر گرفته می‌شود و در پژوهش حاضر مقدار ۰/۸۹ بدست آمده برای مدل نشان‌دهنده آن است که مدل ارائه شده از برازش ساختاری مناسبی برخوردار است. همچنین برای نشان دادن معنادار بودن ارتباط متغیرهای مدل پژوهش از ضرایب (T-value) استفاده شد. بر طبق این روش متغیرهایی که ضرایب T-value بیشتر از قدر مطلق ۱/۹۶ دارند در سطح اطمینان ۰/۹۵ معنادار بودن آنها تأیید می‌شود که در مدل پژوهش تمامی ضرایب از مقدار استاندارد قدر مطلق ۱/۹۶ بیشتر است و گواهی بر وجود رابطه معنادار و مثبت بین متغیرهای پژوهش می‌باشد (جدول ۳).

جدول ۳: شاخص‌های برازش مدل اندازه‌گیری و برازش ساختاری

متغیرها	میانگین واریانس استخراج شده (AVE)	پایایی ترکیبی	آلفای کرونباخ	T-value
عوامل جغرافیایی	۰/۹۰۸	۰/۹۸۰	۰/۹۷۴	۵۱/۷۷۱
عوامل ایدئولوژیکی	۰/۹۹۵	۰/۹۹۸	۰/۹۹۷	۵۱/۵۲۸
عوامل ژئواستراتژیکی	۰/۹۷۸	۰/۹۸۹	۰/۹۷۸	۴۶/۴۵۲
عوامل ژئواکونومیکی	۰/۹۹۳	۰/۹۹۶	۰/۹۹۳	۴۱/۲۲۳
نظام ژئوپلیتیک جهانی	۰/۹۳۷	۰/۹۶۸	۰/۹۳۳	۵۱/۴۸۲
نظام ژئوپلیتیک منطقه‌ای	۰/۹۳۹	۰/۹۶۹	۰/۹۳۶	۴۹/۸۷۹
کدهای ژئوپلیتیک	۰/۹۹۷	۰/۹۹۸	۰/۹۹۷	۴۸/۰۱۷

در ادامه به آزمون مدل کلی پژوهش با استفاده از روش مدلسازی معادلات ساختاری با رویکرد روش حداقل مربعات جزئی و نرم افزار Smart PLS 3، با توجه به ضریب مسیر یا بار عاملی که بیانگر شدت رابطه می‌باشد می‌پردازیم (شکل شماره ۳).

شکل ۳: مدل آزمون شده الگوی روابط قدرت‌های منطقه‌ای در بحران ژئوپلیتیک سوریه



در شکل ۳، ضرایب مسیر یا بار عاملی که بیانگر شدت رابطه میان دو متغیر است نشان داده شده‌اند. ضرایب مسیر بایستی بیش از ۰/۵ باشند و هر چه مقادیر ضریب مسیر بیشتر باشد، نشانگر آنست که متغیر مستقل تأثیر بیشتری بر متغیر وابسته دارد. ضرایب مسیر برای ۱۸ مؤلفه مدل پژوهش بالای ۰/۹ می‌باشد که عدد بسیار خوبی است. ضریب مسیر برای ۷ بُعد مدل پژوهش که مبنای فرضیه پژوهش نیز هستند و شامل عوامل جغرافیایی، عوامل ژئواستراتژیکی، کدهای ژئوپلیتیک، عوامل ایدئولوژیکی، نظام ژئوپلیتیک جهانی، نظام ژئوپلیتیک منطقه‌ای و عوامل ژئواکونومیکی می‌باشند، همگی بالای ۰/۷ می‌باشند و نشانگر آنست که این ابعاد، تعیین کننده الگوی روابط ژئوپلیتیک رقابتی مداخله‌ای ایران با ترکیه، عربستان و اسرائیل به عنوان قدرت‌های منطقه‌ای در بحران ژئوپلیتیک سوریه می‌باشند و فرضیه پژوهش تأیید می‌گردد.

۶. تجزیه و تحلیل

در این بخش با توجه به میزان تأثیر ابعاد الگوی تأیید شده در مدل پژوهش، که مبنای فرضیه پژوهش نیز هستند، و به ترتیب اهمیت بر مبنای مدل آزمون شده پژوهش، شامل عوامل جغرافیایی، عوامل ژئواستراتژیکی، کدهای ژئوپلیتیک، عوامل ایدئولوژیکی، نظام ژئوپلیتیک جهانی، نظام ژئوپلیتیک منطقه‌ای و عوامل ژئواکونومیکی می‌باشند؛ در خصوص تأثیرگذاری این عوامل در الگوی روابط ژئوپلیتیک رقابتی مداخله‌ای ایران با ترکیه، عربستان و اسرائیل به عنوان قدرت‌های منطقه‌ای حاضر در بحران ژئوپلیتیک سوریه، بحثی ارائه خواهد شد.

۶-۱. عوامل جغرافیایی

همانگونه که در مدل آزمون شده پژوهش مشخص شد عوامل جغرافیایی با ضریب مسیر ۰/۸۳۰ بیشترین تأثیر را در الگوی رقابتی مداخله‌ای ایران با ترکیه، عربستان و اسرائیل در بحران ژئوپلیتیک سوریه دارد و این عوامل در مدل کیفی پژوهش، مؤلفه‌های قومیتی، مرزی و سرزمینی، مهاجرتی، هیدروپلیتیک و زیست محیطی می‌باشند.

مؤلفه‌های قومیتی: از نگاه درایسدل و بلیک در سال ۱۹۶۳م، توازن قومی قدرت در سوریه بر هم خورد. حزب سیاسی بعث سوریه که خود را لائیک، سوسیالیست و پان عربیست قلمداد می‌کرد طی یک کودتای نظامی در آن سال قدرت را به دست گرفت و از سال ۱۹۶۳ میلادی

درصد بالایی از رهبران سوریه علوی بوده‌اند. حزب بعث در ابتدا ساختن یک ملت را آرمان خود قرار داد، ولی در طی زمان نظام از هدف خود دور افتاد (Drysdale & Blake, 1991: 211). که این امر منجر به فعال شدن گسل‌های قومیتی در سوریه شد. در سطح منطقه‌ای هر یک از قدرت‌های منطقه‌ای ایران، ترکیه و عربستان به حمایت از گروه‌های قومی مورد نظر خود در سوریه می‌پردازند؛ ایران از علویان سوری حمایت می‌کند، ترکیه ترکمن‌ها را مورد حمایت خویش قرار داده است و عربستان به حمایت از اعراب سنی می‌پردازد. حمایت این قدرت‌های منطقه‌ای از اقوام مختلف سوری به اختلافات دیرینه این اقوام در جغرافیای سیاسی سوریه دامن زده که نمود آن را در تقابل این اقوام در بحران ژئوپلیتیکی سوریه ناظر می‌باشیم.

مؤلفه‌های مرزی و سرزمینی: سوریه و ترکیه درباره حاکمیت بر منطقه هاتای یا اسکندرون با یکدیگر اختلاف دارند. هاتای تا سال ۱۹۳۹م، بخشی از سوریه بود، اما در این سال فرانسه که قیمومیت سوریه را بر عهده داشت آن را به ترکیه واگذار کرد. دولت سوریه این واگذاری را غیر قانونی می‌داند و آن را به طور رسمی نپذیرفته است. جدایی هاتای از سوریه، برای این کشور تأثیرات عمیق ژئوپلیتیک به دنبال داشت، زیرا با جدای هاتای، سوریه تقریباً نیمی از ساحل خود را در دریای مدیترانه از دست داد (Jafari Valdani, 2009: 141-157)؛ که در خصوص این اختلاف، ایران از سوریه حمایت کرده است و خواستار حل موضوع با مذاکره می‌باشد. همچنین اشغال منطقه حیاتی جولان توسط اسرائیل سوریه که از اهمیت استراتژیک بالایی برخوردار می‌باشد (Nasri, 2014: 245)؛ و کمک همه جانبه ایران به سوریه در راستای آزاد سازی این منطقه در کنار ایده تجزیه سوریه که مورد حمایت عربستان و اسرائیل و در راستای طرح خاورمیانه جدید می‌باشد و مخالفت شدید ایران با آن، از جمله عوامل مرزی و سرزمینی مؤثر در الگوی رقابتی مداخله‌ای ایران با ترکیه، عربستان و اسرائیل در بحران ژئوپلیتیکی سوریه می‌باشند؛ که هیچ یک از بازیگران بحران حاضر به کوتاه آمدن از این مؤلفه‌های پایدار جغرافیایی در بحران ژئوپلیتیکی سوریه نیستند.

مؤلفه‌های مهاجرتی: در میان قدرت‌های منطقه‌ای حاضر در بحران ژئوپلیتیکی سوریه، بیشترین تأثیر از مؤلفه‌های مهاجرتی را ترکیه داشته است. مهاجرت گسترده آوارگان سوری به ترکیه در

کنار جابجایی کردها به غرب فرات، تأثیر فراوانی بر رفتار ترکیه در بحران ژئوپلیتیکی سوریه گذاشته است. همچنین مهاجرت آوارگان سوری به عراق و لبنان که گروه های شیعی هم پیمان ایران در آنجا مستقر هستند، از نظر ایران بسیار حائز اهمیت می باشد. در کنار مؤلفه های مهاجرتی ذکر شده، تأثیرگذاری و تأثیرپذیری هر یک از کشورهای ایران، ترکیه، عربستان و اسرائیل از جابجایی های گسترده قومی مذهبی در سوریه را نیز بایستی مد نظر قرار داد که منجر به تغییرات گسترده ای در جغرافیای سیاسی این کشور شده است.

مؤلفه های هیدروپلیتیکی و زیست محیطی: بنا به نظر تمامی اندیشمندان جغرافیای سیاسی و ژئوپلیتیک، آب از مهمترین عوامل تنش و بحران در حال حاضر و دهه های آینده در منطقه خاورمیانه خواهد بود. یکی از عوامل پایدار جغرافیایی مؤثر در رفتار قدرت های منطقه ای در بحران ژئوپلیتیکی سوریه، آب می باشد. از جمله عوامل هیدروپلیتیکی مؤثر در بحران ژئوپلیتیکی سوریه می توان به اختلافات سوریه و اسرائیل بر سر منابع آبی رود اردن و منابع آبی منطقه جولان که منابع آب آن برای اسرائیلی ها بسیار مهم است اشاره کرد؛ که این متغیر از مؤلفه های اصلی تأثیرگذار در بازیگری اسرائیل در بحران ژئوپلیتیکی سوریه می باشد. همچنین اختلاف بین سوریه و ترکیه بر سر آب رودخانه فرات و پروژه سد سازی ترکیه بروی این رود از دیگر عوامل هیدروپلیتیکی مؤثر در رفتار بازیگران منطقه ای در بحران ژئوپلیتیکی سوریه می باشد. پروژه توسعه جنوب شرقی آناتولی (که در داخل ترکیه به GAP مشهور است) به لحاظ نظری می تواند ۹۰ درصد آب عراق و ۴۰ درصد سهم سوریه را از طریق ساخت سیستم سد هایی که آب مورد نیاز مناطق فقیر نشین ترکیه را جهت آبیاری و برق آبی فراهم خواهد کرد، منحرف سازد (kemp & Harkavy, 2004: 170). ایران در مسأله اختلاف ترکیه و سوریه در خصوص آب رودخانه فرات و سد سازی ترکیه بروی این رود، همواره از سوریه حمایت کرده است؛ زیرا علاوه بر دلایل سیاسی، کاهش آب فرات منجر به آسیب زیست محیطی ایران بر اثر ریزگردهای ناشی از خشکی رود فرات در سوریه شده است.

۶-۲. عوامل ژئواستراتژیکی

عوامل ژئواستراتژیکی با ضریب مسیر ۰/۸۱۹ در مدل آزمون شده پژوهش به عنوان دومین عامل مؤثر در الگوی روابط ژئوپلیتیکی رقابتی مداخله‌ای قدرت‌های منطقه‌ای در بحران ژئوپلیتیکی سوریه محسوب می‌گردد که شامل مؤلفه‌های موقعیت جغرافیایی سوریه و موقعیت نسبی این کشور می‌باشد.

موقعیت جغرافیایی: موقعیت جغرافیایی سوریه در غرب آسیا و شرق مدیترانه برای قدرت‌های منطقه‌ای حاضر در بحران ژئوپلیتیکی سوریه بسیار حائز اهمیت می‌باشد. ایران سوریه را عمق راهبردی خود در غرب آسیا می‌داند و سواحل این کشور، راه ارتباطی ایران با دریای مدیترانه است. داود اغلو سوریه را به عنوان کشوری که دارای طولانی‌ترین مرز زمینی با آن است، به منزله دروازه ورود ترکیه به جنوب و خاورمیانه قلمداد می‌کند. همپنین وی سوریه را در قالب سیاست مدیترانه شرقی و به عنوان بخشی از راهبرد دریایی متکی بر این سیاست ارزیابی کرده و تاکید می‌دارد که ترکیه در سوریه ضمن فرار از قطب‌بندی‌های دو جانبه پایدار که حوزه مانور ترکیه را محدود می‌سازد، بایستی از شکل‌گیری گروه‌های موازنه مخالف، ممانعت نموده و تا حد امکان در گسترده‌ترین حوزه به گسترش سیاست‌های منطقه‌ای در سوریه اقدام نماید (Davutoglu, 2012: 391-393). همچنین عربستان نیز سوریه را یکی از راه‌های ارتباطی خود با آسیای صغیر، دریای مدیترانه و اروپا قلمداد می‌کند.

موقعیت نسبی: موقعیت نسبی سوریه نیز در رفتار قدرت‌های منطقه‌ای حاضر در بحران بسیار تأثیر گذار بوده است. همسایگی سوریه با اسرائیل به عنوان بزرگترین دشمن ایران در منطقه، همچنین همسایگی این کشور با عراق و لبنان و موقعیت آن از جهت پیوستگی شیعیان، اهمیت سوریه را برای ایران مضاعف می‌کند. ترکیه نیز از همسایگی با سوریه به صورت مستقیم از بحران ژئوپلیتیکی این کشور تأثیر گرفته و با توجه به همسایگی کردهای سوریه با کردهای ترکیه در مناطق مرزی دو کشور و پیوستگی آنان از این طریق با کردها عراق و ایران، اهمیت تحولات سوریه در این خصوص برای ترکیه و ایران بسیار مهم می‌باشد. دیگر همسایه سوریه یعنی اردن

نیز که متحد عربستان محسوب می‌گردد نیز به صورت مستقیم از تحولات این کشور تأثیر می‌پذیرد که این مسأله برای عربستان حائز اهمیت می‌باشد.

۳-۶. کدهای ژئوپلیتیکی

کدهای ژئوپلیتیکی در مدل آزمون شده با ضریب مسیر ۰/۸۱۲ به عنوان سومین عامل مؤثر در شکل‌گیری الگوی روابط ژئوپلیتیکی رقابتی مداخله‌ای قدرت‌های منطقه‌ای در بحران ژئوپلیتیک می‌باشد؛ که این عامل در مدل کیفی پژوهش شامل مؤلفه‌های سیاست داخلی و سیاست خارجی می‌باشد.

مؤلفه‌های سیاست داخلی: برای مشخص نمودن کدهای ژئوپلیتیکی قدرت‌های منطقه‌ای حاضر در بحران سوریه، ابتدا باید ارتباط سیاست‌های داخلی کشورهای ایران، ترکیه، عربستان و اسرائیل را با بحران ژئوپلیتیکی سوریه مشخص نمود. با توجه به مبانی انقلابی نظام حاکم در ایران، این کشور همواره از بحران سوریه برای تحکیم مبانی انقلاب اسلامی استفاده نموده است. در ترکیه نیز دولت حاکم به رهبری اردوغان از بحران سوریه به عنوان ابزاری برای سرکوب مخالفین خود، خصوصاً کردها استفاده کرده است. حاکمیت جدید عربستان به رهبری ملک سلمان و ولیعهدی پسرش نیز بحران سوریه را دستاویز برخورد با مخالفین داخلی، خصوصاً شیعیان قرار داده است. نتانیاهو نیز در اسرائیل همواره از بحران سوریه به عنوان ابزاری برای پیروزی سیاسی بر رقبای استفاده کرده است.

مؤلفه‌های سیاست خارجی: در خصوص مهمترین مؤلفه‌های سیاست خارجی ایران در مقابل ترکیه، عربستان و اسرائیل در بحران ژئوپلیتیکی سوریه، می‌توان به مواردی که در ادامه می‌آید، اشاره نمود. ایران همواره مانند اسد در قدرت را یکی از خطوط قرمز خود در مسأله سوریه اعلام کرده است و در این راستا به حمایت کامل از حکومت اسد می‌پردازد و این درحالی است که کشورهای ترکیه، عربستان و اسرائیل خواهان برکناری اسد از قدرت می‌باشند و به حمایت از گروه‌های مختلف مخالف حکومت اسد پرداخته‌اند. ایران در راستای سیاست محور مقاومت در سوریه به همکاری با حزب الله لبنان و حمایت همه‌جانبه از این گروه در بحران سوریه ادامه می‌دهد؛ در مقابل اسرائیل و عربستان به شدت مخالف حضور حزب الله و ایران در سوریه

می‌باشند. در واقع از عمده‌ترین انگیزه‌های مشترک جبهه قدرت‌های منطقه‌ای مخالفان اسد، سیاست مهار ایران و جلوگیری از قدرت روزافزون محور مقاومت مد نظر ایران با نقش آفرینی ایران، سوریه و حزب الله می‌باشد (Barzegar, 2013: 182). ایران سیاست مقابله با گروه‌های بنیادگرای افراطی را در سوریه دنبال می‌کند، در حالیکه کشورهای ترکیه، عربستان و اسرائیل به صورت غیر مستقیم و گاهاً مستقیم از گروه‌های رادیکال مذهبی مد نظر خویش حمایت می‌کنند. همچنین همکاری ایران با روسیه به عنوان قدرت فرامنطقه‌ای حاضر در بحران ژئوپلیتیکی سوریه در مقابل همکاری ترکیه، عربستان و اسرائیل با آمریکا و اتحادیه اروپا به عنوان دیگر قدرت‌های فرامنطقه‌ای حاضر در بحران ژئوپلیتیکی سوریه قرار دارد.

۶-۴. عوامل ایدئولوژیکی

بر اساس مدل آزمون شده پژوهش، چهارمین متغیر مؤثر در الگوی روابط ژئوپلیتیکی رقابتی مداخله‌ای قدرت‌های منطقه‌ای در بحران ژئوپلیتیکی سوریه، عوامل ایدئولوژیکی با ضریب مسیر ۰/۷۹۴ می‌باشد که از مؤلفه‌های مذهبی، مکان‌های مقدس و مؤلفه‌های گفتمانی شکل گرفته است.

مؤلفه‌های مذهبی: یکی از عواملی که بر اساس آن طرف‌های درگیر در سوریه را تقسیم بندی می‌کنند عوامل مذهبی می‌باشد و گاهاً برخی سیاسیون بر اساس این عوامل اصطلاح جنگ مذهبی را برای منازعات در سوریه بکار می‌برند. کسینجر عوامل مذهبی را یکی از عوامل زمینه ساز بحران در سوریه و دخالت قدرت‌های خارجی می‌داند. وی بیان نموده که در سوریه شاهد شیوع و بیداری مجددی از تنش‌های کهنه و درگیری هزار ساله مذهبی می‌باشیم. با توجه به پیچیدگی جمعیتی سوریه و بروز جنگ داخلی در گروه‌های مذهبی، زمینه برای سپرده شدن تصمیم‌گیری برای سرنوشت این کشور به دیگران فراهم شد و قدرت‌های خارجی وارد درگیری شدند (Kissinger, 2014:75).

ایران با حمایت همه جانبه از اقلیت علویان و شیعیان در سوریه نشان داده است به هیچ عنوان حاضر نیست از منافع این گروه‌ها در سوریه کوتاه بیاید. ترکیه نیز از گروه‌های اهل تسنن مخالف حکومت حمایت می‌کند و گاهاً به صورت غیر مستقیم از گروه‌های بنیادگرای افراطی

سنی نیز حمایت کرده است که از جمله مصداق های آن حمایت غیر مستقیم این کشور از گروه رادیکال النصره می باشد. از سوی دیگر با توجه به پیوستگی مذهبی علویان در ترکیه، حمایت دولت اردوغان از مخالفان علویان در سوریه، منجر به ایجاد حساسیت هایی در میان علویان ترکیه شده است. عربستان هم که ادعای رهبری بر جهان اهل تسنن را دارد به صورت همه جانبه از گروه های سنی مذهب، همچنین گروه های بنیادگرای افراطی سنی حمایت کرده است.

مکان های مقدس: از جمله دلایل دخالت ایران در بحران ژئوپلیتیکی سوریه وجود حرم حضرت زینب در سوریه می باشد که برای شیعیان ایران بسیار مقدس و قابل احترام است. به همین جهت ایران با اعزام نیروهای نظامی با نام مدافع حرم به سوریه درصدد حفظ امنیت این مکان مقدس مذهبی بوده و از جمله خط قرمزهای ایران در بحران ژئوپلیتیکی سوریه می باشد. از دیگر مکان های مقدس که برای قدرت های منطقه ای حاضر در بحران سوریه دارای اهمیت می باشد، آرمگاه شاه سلطان سلیمان بنیانگذار امپراتوری عثمانی است که اهمیت آن به هویت تاریخی ترک های ترکیه مربوط بوده و امنیت آن برای آنها بسیار مهم می باشد. از این رو ارتش ترکیه با ورود به خاک سوریه امنیت این مکان را به صورت مستقیم تأمین نموده است.

مؤلفه های گفتمانی: یکی از مهمترین عوامل گفتمان انقلاب اسلامی ایران مقابله با اسرائیل به عنوان یک رژیم نامشروع در منطقه بوده که توسط آمریکا و دیگر قدرت های استعماری شکل گرفته و موجب به خطر افتادن ارزش های اسلامی همچون وحدت مسلمانان و قبله نخست آنها در بیت المقدس شده است. در این راستا ایران توانسته با حمایت همه جانبه از گروه های مبارز فلسطینی همچون حماس و جهاد اسلامی، همچنین حزب الله لبنان، محور مقاومت در مقابل اسرائیل را در منطقه شکل داده و به مهمترین تهدید علیه امنیت و موجودیت اسرائیل تبدیل شود. از نظر ایران حکومت خاندان اسد در سوریه همواره به عنوان عقبه استراتژیک حزب الله لبنان و گروه های مبارز فلسطینی عمل نموده و بخشی از محور مقاومت می باشد، بنابراین در بحران ژئوپلیتیکی سوریه به حمایت همه جانبه از حکومت اسد، جهت تقویت جریان مقاومت، پرداخته است.

در ترکیه حزب حاکم اسلام‌گرای عدالت و توسعه در ترکیه مدعی ارائه گفتمانی نوین از مبانی دین اسلام جهت ایجاد یک الگوی مطلوب کشور اسلامی برای جوامع مسلمان می‌باشد. این گفتمان ارائه شده توسط حزب عدالت و توسعه دارای اشتراکات فراوان نظری با گروه‌های اخوان المسلمین در سراسر جهان اسلام می‌باشد و به همین دلیل ترکیه به حمایت همه جانبه از این جریان فکری و موافقان آن در سوریه می‌پردازد.

گفتمان بنیادگرای افراطی و هابیت نقش فراوانی در ایجاد کشور عربستان سعودی به شکل امروزی ایفا نموده است. از این رو عربستان سعودی همواره در طول دوران معاصر به عنوان خاستگاه تفکرات بنیادگرایانه و رادیکال در جهان اسلام شناخته می‌شود. در این راستا بسیاری از گروه‌های بنیادگرای افراطی در بحران ژئوپلیتیکی سوریه از لحاظ فکری و ایدئولوژیک از عربستان تغذیه می‌شوند و همواره مورد حمایت این کشور قرار دارند.

۶-۵. نظام ژئوپلیتیک جهانی

پنجمین عامل مؤثر در الگوی روابط ژئوپلیتیکی رقابتی مداخله‌ای قدرت‌های منطقه‌ای در بحران ژئوپلیتیکی سوریه، شرایط نظام ژئوپلیتیک جهانی با ضریب مسیر ۰/۷۷۳ می‌باشد که شامل مؤلفه‌های دخالت قدرت‌های جهانی در بحران و روابط قدرت‌های جهانی با قدرت‌های منطقه‌ای در بحران ژئوپلیتیکی سوریه می‌باشد.

دخالت قدرت‌های جهانی در بحران: با توجه به پیشینه تاریخی همکاری روسیه با حکومت خاندان اسد در حزب بعث سوریه و در نظر گرفتن متغیرهای جغرافیایی و ژئوپلیتیکی تأمین کننده منافع روسیه در بحران ژئوپلیتیکی سوریه از جمله سیاست پراگماتیستی پوتین برای احیا جایگاه روسیه در نظام ژئوپلیتیک جهانی، وجود پایگاه دریایی روسیه در بندر طرطوس سوریه، اهمیت سوریه به عنوان عمق راهبردی روسیه در خاورمیانه، مقابله با بنیادگرایان افراطی مذهبی، استفاده از بحران سوریه برای فشار بر آمریکا و اروپا در مسائل مورد اختلاف همچون شبه جزیره کریمه، این کشور به حمایت همه جانبه از حکومت اسد در این بحران پرداخته است. در مقابل ایالات متحده آمریکا و اتحادیه اروپا نیز متغیرهای جغرافیایی و ژئوپلیتیکی مؤثر در منافع خویش در بحران ژئوپلیتیکی سوریه همچون حفظ امنیت اسرائیل، مهاجرت آوارگان سوری به اروپا و

آمریکا، مقابله با تروریسم و بنیادگرایان مذهبی، مقابله با نفوذ ایران و روسیه در سوریه، مسأله کردها، حمایت از مخالفین لیبرال حکومت اسد، پیشبرد مذاکرات صلح خاورمیانه و اهمیت موقعیت جغرافیایی سوریه در غرب آسیا را مد نظر قرار داده و به حمایت از مخالفان حکومت اسد روی آورده‌اند و گاهاً به صورت مستقیم نیز به تقابل با حکومت اسد پرداخته‌اند و در این راه از ابزار ناتو نیز استفاده نموده‌اند. در این میان چین نیز که در حال حاضر به دنبال ارتقاء جایگاه سیاسی خویش در نظام بین الملل بدون تنش می‌باشد تنها به حمایت سیاسی از حکومت اسد اکتفا نموده است.

روابط قدرت‌های جهانی با قدرت‌های منطقه‌ای: همچنین دخالت قدرت‌های جهانی در بحران با همکاری یا تقابل با قدرت‌های منطقه‌ای همراه بوده است که این همکاری یا تقابل به صورت مستقیم بر الگوی روابط ژئوپلیتیکی رقابتی مداخله‌ای قدرت‌های منطقه‌ای در بحران ژئوپلیتیکی سوریه تأثیر گذار بوده است. همکاری اروپا و آمریکا با ترکیه، عربستان و اسرائیل برای فشار بر حکومت اسد در مقابل همکاری روسیه با ایران جهت تقویت حکومت اسد در کنار راهبرد نامتقارن ایران در سوریه برای مقابله با حضور آمریکا در منطقه و استفاده ترکیه از بحران ژئوپلیتیکی سوریه جهت فشار بر آمریکا و اروپا در مسائل مورد اختلاف همچون مسأله کردها، از جمله شکل‌های مختلف تأثیر روابط قدرت‌های منطقه‌ای با قدرت‌های جهانی در بحران ژئوپلیتیکی سوریه می‌باشند.

۶-۶. نظام ژئوپلیتیک منطقه‌ای

نظام ژئوپلیتیک منطقه‌ای با ضریب مسیر ۰/۷۴۳ ششمین عامل مؤثر در الگوی روابط رقابتی مداخله‌ای قدرت‌های منطقه‌ای در بحران ژئوپلیتیکی سوریه می‌باشد که شامل مؤلفه‌های رقابت منطقه‌ای قدرت‌های حاضر در بحران ژئوپلیتیکی سوریه و برابری نسبی سطح قدرت این کشورها در این بحران می‌باشد.

رقابت‌های منطقه‌ای: ایران پس از انقلاب همواره با تحریم‌های شدید غرب خصوصاً آمریکا مواجه بوده است که در طول یک دهه گذشته به دلیل فعالیت‌های هسته‌ای، این تحریم‌ها مضاعف شده‌اند. ایران همواره در تلاش برای خارج شدن از انزوای ناشی از تحریم‌ها به دنبال افزایش

نفوذ در منطقه بوده که اقدامات این کشور در سوریه در این راستا قابل تبیین می‌باشد؛ و این اقدامات ایران منجر به واکنش ترکیه، عربستان و اسرائیل در این خصوص شده و به رقابت‌های منطقه‌ای دامن زده است. ترکیه نیز با توجه به نگاه حزب حاکم اسلامگرای عدالت و توسعه نسبت به مناطق جغرافیایی همجوار، منطقه خاورمیانه را به عنوان یکی از اولویت‌های اصلی قلمداد نموده و نفوذ ژئوپلیتیکی در این منطقه را ضروری می‌داند. در این راستا ترکیه اقدام به دیپلماسی و میدان‌داری منطقه‌ای و نیز حضور گسترده در اوضاع و تحولات گوناگون کشورهای همسایه و بویژه رایزنیها و دخالت‌های متعدد در تحولات کشورهای حوزه عربی اسلامی خاورمیانه و شمال آفریقا نموده است که برای جلب اطمینان غرب و با هدف ترویج الگوی حاکمیتی سکولار جهت شکل‌گیری نظام‌های سیاسی جدید در این حوزه صورت می‌گیرد (Rashnoo, 2013: 137). در این زمینه اقدام به کنش‌گری در بحران ژئوپلیتیکی سوریه و رقابت با دیگر قدرت‌های منطقه‌ای خصوصاً ایران نموده است. عربستان هم به عنوان دیگر قدرت منطقه‌ای و در راستای افزایش نفوذ ژئوپلیتیکی در کشورهای عرب مسلمان غرب آسیا و با توجه به اکثریت جمعیت عرب و اهل تسنن سوریه به دنبال افزایش نفوذ در این کشور بوده و با این نگاه منطقه‌ای به رقابت با ایران در بحران ژئوپلیتیکی سوریه پرداخته است. اسرائیل نیز که همواره ایران را به عنوان بزرگترین تهدید علیه امنیت ملی خویش محسوب می‌دارد با توجه به افزایش نفوذ ژئوپلیتیکی ایران در سوریه، احساس خطر کرده و دست به مقابله همه‌جانبه به ایران زده است. همچنین کشورهای ترکیه، عربستان و اسرائیل که به عنوان رقبای منطقه‌ای ایران در بحران ژئوپلیتیکی سوریه محسوب می‌شوند، برای تبدیل شدن به متحد اصلی آمریکا و اروپا در بحران سوریه با یکدیگر دارای رقابت می‌باشند.

برابری نسبی سطح قدرت: همچنین برابری نسبی میزان قدرت کشورهای ایران، ترکیه و عربستان تأثیر فراوانی بر شکل‌گیری الگوی روابط رقابتی مداخله‌ای در بحران ژئوپلیتیکی سوریه شده است که این امر موجب طولانی شدن بحران در اثر حمایت این قدرت‌های منطقه‌ای از گروه‌های داخلی متحد خود در این بحران شده است. همچنین رقابت این قدرت‌های منطقه‌ای در

بحران ژئوپلیتیکی سوریه به علت برابری نسبی قدرت آنها در بحران، به نوعی موجب فرسایش ژئوپلیتیکی این کشورها در نظام ژئوپلیتیک منطقه‌ای نیز شده است.

۶-۷. عوامل ژئواکونومیکی

بنا به مدل آزمون شده پژوهش، عوامل ژئواکونومیکی با ضریب مسیر ۰/۷۱۹ آخرین عامل مؤثر در الگوی روابط ژئوپلیتیکی رقابتی مداخله‌ای قدرت‌های منطقه‌ای در بحران ژئوپلیتیکی سوریه می‌باشند؛ که این عوامل در مدل کیفی پژوهش شامل مؤلفه‌های منابع انرژی و منافع اقتصادی می‌باشند.

منابع انرژی: با توجه به اینکه ایران و عربستان از دارندگان ذخایر غنی انرژی می‌باشند، منابع انرژی سوریه به عنوان یک متغیر ژئواکونومیکی، بیشترین تأثیر را بر رفتار ترکیه در الگوی روابط قدرت‌های منطقه‌ای در بحران ژئوپلیتیکی سوریه داشته است. موقعیت ژئواکونومیکی سوریه به عنوان بخشی از مسیر انتقال انرژی از خلیج فارس، خصوصاً انتقال گاز قطر به ترکیه، بسیار برای ترکیه حائز اهمیت می‌باشد، همچنین ترکیه در حین بحران مقادیر بسیار زیادی نفت ارزان قیمت از گروه‌های مختلف مخالف حکومت خریداری کرده است. از نگاه بلند مدت نیز، ایران و عربستان به موقعیت ژئواکونومیکی سوریه به عنوان یکی از مسیرهای انتقال انرژی به منطقه مدیترانه و اروپا نگاه می‌کنند.

منافع اقتصادی: در خصوص مؤلفه منافع اقتصادی نیز باید به روابط اقتصادی ایران، ترکیه و عربستان با کشور سوریه اشاره کرد که در اثر بحران ژئوپلیتیکی سوریه تحت تأثیر قرار گرفته است. بنابراین بر سر قدرت بودن یک حکومت متحد و همسو با هر یک از این کشورها در آینده سوریه پس از بحران می‌تواند منافع اقتصادی فراوانی برای این قدرت‌های منطقه‌ای با توجه به جذابیت‌های اقتصادی فرآیند بازسازی و بازار سوریه پس از بحران داشته باشد.

۷. نتیجه‌گیری

بحران سوریه در کنار آنکه یک بحران داخلی در این کشور و اختلافات بین حکومت این کشور و مخالفان آن به عنوان بازیگران داخلی می‌باشد، تبدیل به یک بحران ژئوپلیتیکی و عرصه روابط

پیچیده میان قدرت‌های خارجی نیز شده است؛ که در سطح قدرت‌های منطقه‌ای تحت تأثیر روابط ژئوپلیتیکی ایران، به عنوان مهمترین متحد منطقه‌ای حکومت بشار اسد، با ترکیه، عربستان و اسرائیل به عنوان مخالفان منطقه‌ای حکومت اسد قرار دارد؛ که این روابط تحت تأثیر ابعاد و مؤلفه‌های جغرافیایی و ژئوپلیتیکی مختلفی می‌باشد. بررسی تأثیر هر یک از این ابعاد و مؤلفه‌ها بر روابط قدرت‌های منطقه‌ای در بحران ژئوپلیتیکی سوریه به صورت مجزا نمی‌تواند شناخت کاملی از روابط این قدرت‌ها در این بحران ارائه کند و تبیین روابط قدرت‌های منطقه‌ای در این بحران بایستی با در نظر گرفتن ارتباط این ابعاد و مؤلفه‌ها با یکدیگر، همچنین میزان اهمیت آنها و در یک مدل ساختاری جامع انجام پذیرد.

در الگوی بدست آمده از پژوهش، هفت متغیر اصلی مؤثر در روابط قدرت‌های منطقه‌ای حاضر در بحران ژئوپلیتیکی سوریه به ترتیب شامل عوامل جغرافیایی، عوامل ژئواستراتژیکی، کدهای ژئوپلیتیکی، عوامل ایدئولوژیکی، نظام ژئوپلیتیک جهانی، نظام ژئوپلیتیک منطقه‌ای و عوامل ژئواکونومیکی می‌باشند، که این متغیرها نیز ضمن ارتباط با یکدیگر، خود از مؤلفه‌های مختلفی تشکیل شده‌اند. عوامل جغرافیایی به عنوان اولین متغیر، شامل مؤلفه‌های اختلافات قومیتی در سوریه، مسائل مرزی و سرزمینی سوریه در داخل و با همسایگانش، بحران مهاجران این کشور و مسائل هیدروپلیتیکی و زیستی در این کشور می‌باشد. عوامل ژئواستراتژیکی به عنوان دومین متغیر مؤثر در الگو، شامل موقعیت جغرافیایی خاص سوریه در غرب آسیا و شرق دریای مدیترانه، همچنین مسائل همسایگان این کشور می‌باشد. متغیر دیگر، کدهای ژئوپلیتیکی قدرت‌های منطقه‌ای در بحران سوریه می‌باشد، که متأثر از مؤلفه‌های اوضاع داخلی این کشورها و سیاست خارجی آنها در قبال سوریه می‌باشد. عوامل ایدئولوژیکی به عنوان متغیر چهارم شامل مؤلفه‌های تعارضات مذهبی در سوریه، اهمیت مکان‌های مقدس این کشور برای بازیگران و گفتمان مورد حمایت هر یک از آنها در سوریه می‌باشد. شرایط نظام ژئوپلیتیک جهانی به عنوان دیگر متغیر مؤثر، متأثر از اهداف قدرت‌های جهانی در این بحران و روابط آنها با بازیگران منطقه‌ای است. متغیر ششم ساختار نظام ژئوپلیتیک منطقه‌ای می‌باشد که در اثر رقابت منطقه‌ای قدرت‌های حاضر در بحران سوریه شکل گرفته است. آخرین متغیر نیز عوامل ژئواکونومیکی

می‌باشد که متأثر از مسائل مربوط به انرژی در منطقه و منافع اقتصادی بازیگران در این بحران می‌باشد.

ابعاد و مؤلفه‌های بیان شده جزء عوامل پایدار جغرافیایی و ژئوپلیتیکی بوده که به صورت مستقیم به منافع ملی و بلند مدت، همچنین حیات ملی قدرت‌های منطقه‌ای حاضر در بحران سوریه، مرتبط می‌باشند و هر یک از این قدرت‌ها به دنبال برتری و سیادت در این عوامل پایدار جغرافیایی و ژئوپلیتیکی و سلب تسلط رقیب بر این عوامل می‌باشد؛ به همین علت هیچ یک از طرف‌های منطقه‌ای درگیر در بحران حاضر به کوتاه آمدن از مواضع خویش در قبال بحران ژئوپلیتیکی سوریه نیستند. به همین سبب این قدرت‌ها از راهکارهای غیرمسالمت‌آمیز در جهت مدیریت بحران سوریه استفاده نموده و این حالت موجب شکل‌گیری یک الگوی رقابتی مداخله-ای در بحران ژئوپلیتیکی سوریه در روابط ایران با کشورهای ترکیه، عربستان و اسرائیل شده و ضمن پیچیده تر نمودن اوضاع سوریه منجر به تداوم بحران شده و تلاش‌ها و مذاکراتی که جهت حل بحران و پایان منازعه صورت پذیرفته بی نتیجه مانده است.

۸. قدرتدانی

نویسندگان بر خود لازم می‌دانند از معاونت پژوهشی دانشگاه تهران به واسطه حمایت‌های مادی و معنوی تشکر و قدردانی نمایند.

Reference

1. Abdolrahman, Alem (2012). The Foundations of Political science. Tehran: Ney Publications **[In Persian]**.
2. Ahmad, Soltani Nezhad & Ebrahimi, Nabiolla & Najafi, Mostafa (2016). "Interests and Considerations of Regional Powers in Syria Crisis". Islamic World Political Studies Quarterly. Vol 5. Issue 1. pp 101-130 **[In Persian]**.
3. Ahmadi, Sayed Abbas & Badiiee, Marjan & Heidari Mosello, Tahmores (2017). "The Theoretical Explanation of the Nature of the Geopolitical Regions in Competition of the Powers". Geopolitics Quarterly. Vol 13. Issue 47. PP 55-78 **[In Persian]**.
4. Al-Rawashdeh, Mohammad Salim (2018). "International and Regional Political Competitions in Syria: Geopolitical dimensions". Journal of Political Studies, Vol 25, Issue 1, pp 55-80
5. Ayoob, Mohammed (2012). "The Arab Spring: Its Geostrategic Significance". Middle East Policy, Vol 19, No 3, pp 84-97
6. Barzegar, Keyhan (2013). Arabic, Iranian and Middle East evolutions, Tehran: Scientific Research and Middle East Strategic Studies Center **[In Persian]**.
7. Brecher, Michael & Wilkenfel, Jonathan & Moser, Sheila (1988). Crisis in the Twentieth Century, A Handbook of International Crisis. Oxford: Pergamon Press.
8. Brecher, Michael (1993). Crisis in World Politics, Theory and Reality. Pergamon Press: London.
9. Brecher, Michael (2003). Crisis In World Politics: Theory and Reality. Translated by Mirfardin Querashi. Tehran: Research Institute of Strategic Studies **[In Persian]**.
10. Buzan, Barry & Wæver, Ole (2009). Regions and Powers: The Structure of International Security. Translated by Rahman Ghahremanpour. Tehran: Research Institute of Strategic Studies **[In Persian]**.
11. Cohen, Saul Bernard (2008). Geopolitics of the World System. Translated by Abbas Kardan. Tehran: International Institute for Cultural Studies and Research, Contemporary Abrar **[In Persian]**.
12. Collins John. M (1998). Military Geography for professionals and the public. Brassey: Washington.
13. Davutoglu, Ahmet (2012). Strategic depth: Turkey's International Position. Tehran: Amir Kabir Publications **[In Persian]**.

14. Dougherty, James E & Pfaltzgraff, Robert L (2011). *Contending Theories of International Relations: A Comprehensive Survey*. Translated by Vahid Bozorgi and Alireza Tayeb. Tehran: Ghomes Publications **[In Persian]**.
15. Drysdale, Alasdair & Blake, Gerald. H (1991). *The Middle East and North Africa: A Political Geography*. Translated by Doreh MirHaydar. Tehran: Publications Office of Political and International Studies **[In Persian]**.
16. Ghasemi, Farhad (2010). *Principles of International Relations*. Tehran: Qomes Publications
17. Ghavam, Seyyed Abdol Ali (2010). *Principles of Foreign Policy and International Politics*. Tehran: Samt Publications **[In Persian]**.
18. Hafeznia, Mohammad Reza (2014). *Principles and Concepts of Geopolitics*. Mashhad: Papoli publications **[In Persian]**.
19. Hagget, Peter (1983). *Geography: A Modern Syntheses*. Harpercollins College Div: New York.
20. Hamidi, Somaye & Ghasemi, Zeynab (2015). "Security strategy, regional powers; Iran, Turkey and Israel against the Syrian crisis (2011-2014)". *Quarterly of Islamic Awakening Studies*. Vol 4, Issue 7, pp 61-78 **[In Persian]**.
21. Hosseinpour Pouyan, Reza (2013). "Expounding Geographical and Geopolitical Factors of Relations in Geopolitical Regions". *Geopolitics Quarterly*. Vol 9, Issue 30, pp 161-203 **[In Persian]**.
22. Huntington. S.P. (1997). *The Clash of Civilizations and the Remaking of World Order*. New York: Simon & Schuster.
23. Jafari Valdany, Asghar (2009), *Challenges and Conflicts in the Middle East*. Tehran: Research Institute of Strategic Studies **[In Persian]**.
24. Kamrava, Mehran (2018). "Multipolarity and Instability in the Middle East". *Orbis*. Vol 62, Issue 4. pp 598-616. **[In Persian]**.
25. Kaplan, Robert (2001). *The Coming Anarchy: Shattering the Dreams of the Post Cold War*. New York: Vintage.
26. Kay Wong, Ken Kwong (2013). "Partial least square structural equation modeling (PLS-SEM) techniques using SmartPLS". *Marketing Bulletin*, Vol 24, Technical Note 1, pp 1- 32.
27. Kazemi, Ali Asghar (2003). *Modernization crisis and contemporary Iranian political culture*. Tehran: Qomes Publications
28. Kemp, Geoffrey & Harkavy, Robert (2004). *Strategic Geography and Changing Middle East*. Translated by Seyed Mahdi Hosseiny Matin. Tehran: Research Institute of Strategic Studies **[In Persian]**.

29. Khaki, Gholamreza (2013). Research methodology with a grounded theory in thesis writing. Tehran: Fozhan Publications **[In Persian]**.
30. Kissinger, Henry (2014). World Order: Reflections on the Character of Nations and the Course of History. New York: Penguin Group.
31. Luttwak, Edward N (1990). "From Geopolitics to Geo-Economics: Logic of Conflict, Grammar of Commerce". The National Interest. Vol 6, No 20. pp 17-23.
32. Mojtahedzadeh, Pirouz (2002). Political Geography and Geopolitics. Tehran: Samt Publications **[In Persian]**.
33. Nasri, Ghadir (2014). The Vital regions of Middle East. Tehran: Emam Sadeqh University Publications **[In Persian]**.
34. Niakooyi, Seyed Amir & Setoodeh, Ali Asghar (2016). "The pattern of opposition between regional and transnational actors in the internal conflicts of Syria and Iraq". Strategic Quarterly. Vol 25. Issue 80. PP 117-151 **[In Persian]**.
35. Prescott, John Robert (1972). Political Geography. London: Palgrave Macmillan.
36. Rashnoo, Nabi Allah (2013). "Geopolitical Approaches and Interests in the Middle East and North Africa Evolutions". Geopolitics Quarterly. Vol 9 . Issue 29. PP 127-165 **[In Persian]**.
37. Sadeghi, Seyed Shamseddin & Akhavan & Kazemi, Masoud & Lotfi, Kamran (2015). "Syria's Crisis and Regional Powers of Geopolitical Conflict". Islamic World Political Studies Quarterly. Vol 4. Issue 4. PP 107-128 **[In Persian]**.
38. Shahvary, Ahmad (1996). Diplomacy of Crisis. Tehran: Publications Office of Political and International Studies **[In Persian]**.
39. Snyder, Gelell H. & Diesing, Paul. (1978). Conflict Among Nations: Bargaining, Decision Making, and System Structure in International Crises. Newjersey: Prinction University Press.
40. Strauss, Anselm & Corbin, Juliet (1990). Basics of qualitative research: Grounded theory procedures and techniques. Newbury Park: Sage Publications..
41. Vaezi, Mahmoud (2010). "New International System and International Crisis Management". Strategic Quarterly. Vol 19. Issue 56. PP 7-42 **[In Persian]**.
42. Vaezi, Mahmoud (2013). Political Crises and Social Movements in The Middel East. Tehran: Publications Office of Political and International Studies **[In Persian]**.

43. Valigholizdeh, Ali (2015). Geopolitical Crisis Recognition Pattern. Tehran: Research Institute of Strategic Studies **[In Persian]**.
44. Valigholizdeh, Ali (2016), "Geopolitical Explanation of the Factors Determining the States' Behavior in Karabakh Crisis". Geopolitics quarterly. Vol 12 . Issue 43 . PP 85-120 **[In Persian]**.
45. Zakheim, Dov S (2015). "The Middle East in Conflict: the Empires strike back". Turkish Policy Quarterly. Vol 14, Issue 1, pp47-60.